

چگونگی ملاقات با

امام زمان علیه السلام

در بیداری و خواب

گل نرگس (عج)



چگونگی ملاقات با امام زمان علیه السلام

در پیداری و خواب

(به همراه اوقات مخصوص امام زمان علیه السلام)



چگونگی ملاقات با امام زمان علیه السلام در بیداری و خواب

مؤلف / محدث نوری

ناشر / شمیم گل نرگس

نوبت چاپ / اول

تاریخ چاپ / پاییز ۸۱

چاپ / باقری

طرح جلد / الزهراء

تیراژ / ۵۰۰۰ جلد

قیمت / ۵۵۰ تومان

مراکز پخش:

* قم - مرکز پخش گل نرگس - تلفن: ۷۷۴۴۰۸۳ - ۰۲۵۱

* قم - مرکز پخش گل یاس - تلفن: ۷۷۴۸۸۹۰ - ۰۲۵۱

شماره شابک: ۹۶۴-۷۵۴۹-۱۶-۴

E_mail: Goleyas@ayna.com



مقدمه:

یکی از وظایف مسلمین در زمان غیبت امام زمان علیه السلام، گسترش نام و یاد آن حضرت می‌باشد. بر این اساس و در راستای تحقق بخشیدن به این هدف، ابزارهای فرهنگی سهم عمده‌ای را دارا می‌باشند که نشر و پخش کتاب یکی از این ابزارها می‌باشد.

ما به حول و قوه الهی سعی داریم با استفاده از امکانات محدود خود در زمینه آگاهی بخشیدن به مسلمانان و بلکه تمام مردم جهان پیرامون وجود مقدس امام زمان علیه السلام و زنده کردن یاد آن حضرت در اذهان مردم تلاش و کوشش نمائیم.

کتاب بسیار ارزشمند و پرمحتوای *نجم الثاقب* (تألیف میرزا حسین طبرسی نوری)، یکی از بهترین کتابهایی است که تا کنون در مورد امام زمان علیه السلام به رشته تحریر در آمده است و تا کنون بارها بوسیله ناشران مختلف تجدید چاپ گردیده است، ولی به علت حجیم بودن کتاب و محدود

بودن طیف خوانندگان آن، آنطور که باید مورد توجه عموم قرار نگرفته است. لذا تصمیم گرفتیم که این کتاب را در چند کتاب مجزا و با عناوینی متناسب با محتوای آنها، ساده نویسی کرده و به چاپ برسانیم تا بدین وسیله هم این کتاب، تا حدی جایگاه واقعی خود را در میان عموم مردم پیدا کند و هم اینکه هر کسی به هر بخشی از این کتاب که علاقمند بود راحت تر بتواند آن را تهیه نماید.

به این امید که تمام جهانیان به وجود امام زمان علیه السلام ایمان بیاورند و با رشد فکری و اصلاح خویشتن، خود را آماده ظهور آن حضرت نمایند و بدین وسیله، سعادت درک بهشت دنیایی این جهان یعنی زندگی در زمان دولت حقّه امام زمان علیه السلام را پیدا کرده و سعادت دنیا و آخرت را کسب نمایند.

مرکز پخش کتاب گل فرگس علیه السلام

مقدمه مؤلف:

(بخش اول این کتاب) درباره بعضی از زمانها و اوقات مخصوص به امام زمان علیه السلام و اعمالی که شیعیان نسبت به امام زمان علیه السلام در این اوقات باید انجام بدهند، می باشد که به تعدادی از آنها اشاره می شود:

اول: شب قدر. دوم: روز جمعه. سوم: روز عاشورا. چهارم: از وقت طلوع تا غروب آفتاب هر روز. پنجم: عصر دوشنبه. ششم: عصر پنجشنبه. هفتم: شب و روز نیمه شعبان.

پس از ذکر هر یک از این اوقات، اعمال و آداب و دعاهای متعلق به آن وقت و سبب نسبت آن را به امام زمان علیه السلام بیان می کنیم و در آخر این بخش به اختصاص بعضی از مکانها به آن حضرت و نیز حضور آن جناب در تشییع جنازه هر مؤمنی اشاره می نمائیم.

(بخش دوم این کتاب) معرفی اعمال و آدابی می باشد که شاید بتوان به برکت آنها به سعادت ملاقات و زیارت وجود نورانی امام عصر علیه السلام رسید، چه

آن حضرت را بشناسیم و چه نشناسیم، در خواب به زیارت آن حضرت نائل بشویم یا در بیداری و همچنین به اثبات این مطلب می پردازیم که چهل روز مواظبت عملی از کردار و گفتار، بسیار مؤثر است و موجب انتقال از حالتی به حالت دیگری می شود. «والله العالم»

(بخش سوم) به ذکر اشعار و مدایح درباره تولد و مدایح و استغاثه به

امام زمان علیه السلام اختصاص دارد.



(بخش ۱)

اوقات مخصوص

امام عصر علیه السلام



شب قدر

اول: شب قدر که شبِ ظهورِ قدر و منزلت و عظمت و جلالت امام عصر علیه السلام است، تا جائی که به سبب نزول روح و ملائکه‌ای که برای تقدیر امور بندگان خدمت آن حضرت می‌رسند، روی زمین جا تنگ می‌شود.

در این قسمت به سه وجه از وجوه نامیده شدن این شبها به شب قدر که در اخبار و روایات فراوانی ذکر شده اشاره می‌کنیم:

در تفسیر «علی بن ابراهیم» به چند سند معتبر از حضرت باقر و صادق و کاظم علیهم السلام روایت کرده که در تفسیر آیه مبارکه: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»^۱ فرمودند: خداوند هر امری از حق و باطل و آنچه که در این سال اتفاق می‌افتد را مقدر می‌کند.

خداوند اراده و اختیار دارد که هر امری را مانند مرگها و روزیها و بلاها و سختیها و امراض را جلو یا عقب بیندازد یا کم و زیاد کند و این امر را به رسول خدا صلی الله علیه و آله می دهد و رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام و امیرالمؤمنین به ائمه علیهم السلام تا اینکه به صاحب الزمان علیه السلام می رسد و البته در آن بداء و مشیت و تقدیم و تأخیر را شرط می کند.

و نیز روایت شده است که: «خداوند در شب قدر، مرگها و روزیها و هر امری از مرگ و زندگی و ارزانی و گرانی یا خوبی و بدی که اتفاق می افتد را تقدیر می کند.

ملائکه و روح القدس بر امام زمان علیه السلام نازل می شوند و آنچه که از این امور نوشته اند را به ایشان می دهند.»

همچنین امام باقر علیه السلام می فرماید: «شب قدر بر ما مخفی نمی شود زیرا که در آن شب، ملائکه ما را طواف می کنند.»

شیخ صفار در «بصائر الدرجات» از داوود بن فرقد روایت کرده که: «از امام صادق علیه السلام از قول خداوند عزوجل که می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» سؤال کردم. ایشان فرمود: «نازل می شود هر

چیزی (و هر کسی) که در این سال می‌میرد یا زنده می‌شود.»

سوال کردم: «بسوی چه کسی نازل می‌شود؟»

حضرت فرمود: «بسوی چه کسی شایسته است؟!»

بدرستی که مردم در این شب مشغول نماز و دعا و خواهش

هستند و صاحب این امر در کاری است و ملائکه برای امور

سال، از غروب تا طلوع آفتاب بر او نازل می‌شوند.»

همچنین منقول است که حضرت فرمود: «هر گاه شب

نوزدهم ماه رمضان شد، روزی‌ها تقسیم می‌شود و مرگها

نوشته می‌شود و خداوند به بندگان خود نظر لطف می‌کند و

همه ایشان مگر شرابخوار را می‌آمرزد. پس هر گاه شب

بیست و سوم شد، در آن هر امر محکمی جدا شده و پایان

پذیرفته و امضا می‌شود.»

پرسیده شد: «به چه کسی می‌رسد؟»

حضرت فرمود: «بسوی صاحب (امام) شما.»

در خبر دیگر فرمود: «در آن شب افرادی که به حجّ

خواهند رفت نوشته می‌شود و آنچه در آن سال از طاعت یا

معصیت یا مردن یا به دنیا آمدن انجام می‌شود و

خدای تعالی در شب و روز، آنچه را که می‌خواهد پدیدار می‌کند، آنگاه آن را بسوی صاحب (زمین) می‌فرستد.»

حارث بن مغیره سؤال کرد که: «صاحب زمین کیست؟»
حضرت فرمود: «صاحب (امام) شما.»

در خبر دیگر فرمود: «بدرستی که خداوند در آن شب مقادیر آن سال را تقدیر می‌کند، آن گاه آن را بسوی زمین می‌فرستد.»

معلی بن خنیس پرسید: «بسوی چه کسی؟»
حضرت فرمود: «فکر می‌کنی بسوی چه کسی باشد ای عاجز؟!»

در خبر دیگر فرمود: «وقتی شب قدر می‌شود خداوند آنچه را که (در آن سال) اتفاق می‌افتد را می‌نویسد و آن را نازل می‌کند.»

راوی پرسید: «بسوی چه کسی؟!»
حضرت فرمود: «فکر می‌کنی بسوی چه کسی باشد ای احمق؟!»

علامه مجلسی در «زاد المعاد» می‌فرماید: «از بعضی

احادیث برداشت می‌شود که هر سه شب، شب قدر هستند و در شب اول، تقدیر امور انجام می‌شود، در شب دوم با کثرت دعا و عبادت ممکن است تقدیر بعضی از امور تغییر کند و در شب سوم قطعی می‌شود و تغییر نمی‌یابد یا بسیار کم تغییر می‌یابد. بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول نوشته می‌شود و تغییرش آسان است، بعد از آن در دفاتر ثبت می‌شود و تغییرش دشوارتر است اما چون هنوز مهر نخورده است، ممکن است تغییر کند. وقتی که مهر خورد به منزله حتم است و تغییر دادنش بی‌نهایت دشوار است.

وقتی حضرت صاحب الامر علیه السلام در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است و گروه گروه به خدمت او می‌آیند و بر او سلام می‌کنند و تقدیرات را بر او عرضه می‌کنند، سزاوار نیست که در چنین شبی همگان به امام خود توسل نکنند و به غفلت بسر آورند.

تقدیرات همه امور از قبیل عمر و مال و فرزند و عزت و سلامتی و توفیق اعمال خیر و اصلاح تمام احوال سال در این شب خواهد بود و ممکن است که نام کسی که در دیوان

اشقیاء نوشته شده باشد در این شب تغییر کند و در زمرة
سعادت‌مندان نوشته شود، چنان که این مضمون در اکثر دعاها
و احادیث معتبره وارد شده است.

دعا برای آن حضرت را باید بر دعای خود مقدم داشت.
در اخبار گذشته اشاره شد که آن حضرت در این شب
مشغول به آن امر عظیم الهی است، پس بهترین دعاها،
طلب نصرت و کمک و حفظ الهی برای آن حضرت می‌باشد.
در شب بیست و سوم در همه حالات چه در رکوع یا
سجود و چه نشسته یا ایستاده بلکه در همه اوقات باید آن
دعایی را خواند که مضمونش پس از حمد خداوند و صلوات
بر رسول و خاندانش علیهم السلام این بود:

(بار خدایا! باش برای حجة ابن الحسن المهدی علیه السلام در این ساعت
و هر ساعتی، ولی و حافظ و پیشوا و ناصر و راهنما و کمک کننده و ...)
پس از آن توسل و استغاثه به آن حضرت و طلب یاری
و شفاعت در انجام آنچه می‌خواهد و باید به دست مبارک او
شده و از نظر نورانی او بگذرد و همچنین تضرع و ناله که نظر
لطف و مهربانی خود را از او بر ندارد که او آن چنان که

سزاوار بزرگی است در این شب - که زمام امور به دست قدرت خداوندی اوست - با وی رفتار کند.

در روایت معتبری آمده است که: «هر کس در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سوره «انا انزلناه» را بخواند، به سبب آنچه در خواب می بیند با یقین شدید و اعتراف به کرامتهایی که در این شب مخصوص ماست، صبح می کند.»

عالم ربّانی سیّد علی بن عبدالحمید نیلی در شرح «مصباح شیخ طوسی» بعد از نقل این خبر می گوید: «در شب پنجشنبه بیست و سوم ماه رمضان سال ۷۸۸ در مسجد کوفه با عده ای معتکف بودیم. بعد از نماز، هزار مرتبه سوره «انا انزلناه» را خواندیم و وقتی تمام شد هر کدام در جای خود خوابیدیم.

سپس من در خواب یا در بین خواب و بیداری دیدم که گویا درهایی باز شده که نمی دانم آنها در آسمان است یا در زمین، و جماعتی با هیئت های نیکو بیرون آمدند و به من رو کردند و گفتند: «با امامان معصوم خود همراه شو که همانا

ایشان علمهای هدایت، بزرگواران مورد اعتماد، سروران
نیکو، نورهای پابرجا، ستاره‌های درخشان و ... هستند.»

روز جمعه

دوم: روز جمعه، که از چند جهت اختصاص و متعلق به امام عصر علیه السلام دارد. یکی آنکه: ولادت با سعادت آن حضرت در آن روز بوده است و دیگر آنکه: ظهور شادی‌انگیز آن حضرت در آن روز خواهد بود و انتظار فرج در آن روز بیشتر از روزهای دیگر است، چنانچه در همه اخبار به آن تصریح شده و در زیارت مخصوص آن حضرت در روز جمعه آمده است:

«يَا مَوْلَايَ! يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يَوْمُكَ الْمَتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ...» تا آخر.

یعنی: «ای آقای من! ای صاحب زمان که درود خداوند بر تو و بر آل بیت تو باد! این روز جمعه است و آن روز تو است که در آن ظهور تو انتظار کشیده می‌شود و فرج مؤمنین بدست تو است. ای آقای من در

آن میهمان تو هستم و به تو پناه آورده‌ام و تو ای آقای من! کریمی و از
اولاد بزرگواران می‌باشی و مأمور به پناه دادن هستی، پس مرا مهمان
کن و پناه بده...»

عید بودن روز جمعه و شمرده شدنش از عیدهای
چهارگانه به جهت ظهور شریف امام زمان علیه السلام است که در
آن روز - بخاطر پاک شدن زمین از لوث شرک و کفر و
گناهان و زورگویان و ملحدین و کافران و منافقان و ظهور
کلمه حق و اعتلای دین و شرایع ایمان و شعائر مسلمین
بدون مزاحمت دشمنان خدا و دین - چشم و دل مؤمنین،
روشن و مسرور خواهد شد، و در دعای بعد از طلوع آفتاب
روز جمعه نیز به این مطلب اشاره شده است.

سید بن طاووس در «جمال الاسبوع» از حضرت
کاظم علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در روز جمعه به
محمد بن سنان فرمود: «آیا در این روز، دعای واجب
را خواندی؟»

وی پرسید: «آن دعا چیست؟»

حضرت فرمود «بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْيَوْمُ الْجَدِيدُ
الْمُتَبَارَكُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ عِيداً لِأَوْلِيَائِهِ الْمُطَهَّرِينَ مِنَ الدَّنَسِ

الْخَارِجِينَ مِنَ الْبُلُوَى الْمَكْرُورِينَ مَعَ أَوْلِيَائِهِ الْمُصَفِّينَ مِنَ الْعِكَرِ
الْبَاذِلِينَ أَنْفُسَهُمْ فِي مَحَبَّةِ أَوْلِيَاءِ الرَّحْمَنِ تَسْلِيمًا.»^۱

یعنی: «سلام بر تو باد ای روز تازۀ مبارکی که خداوند آن را عید گردانیده است برای دوستان خود که از کثافات، پاک هستند و با اولیای خداوند رجعت می‌کنند و از عقاید کثیف و اعمال زشت، تصفیه شده‌اند و جانشان را در راه محبت اولیای خدا تقدیم می‌کنند.»

آنگاه رو بسوی آفتاب کن و بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ...» الی آخر.

جمعه از اسامی مبارک صاحب الامر علیه السلام است یا کنایه از آن حضرت است یا اینکه آن حضرت سبب نامیده شدن جمعه به این نام است، چنانچه صدوق در «خصال» از صقر بن ابی دلف روایت کرده که حضرت امام علی النقی علیه السلام در مورد این حدیث رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که: «با روزها دشمنی نکنید که آنها با شما دشمنی خواهند کرد.» بیان کرد: «روزها ما هستیم.» تا آنکه فرمود: «و جمعه پسر من است و اهل حق بسوی او جمع می‌شوند.»

شیخ صدوق فرموده است: «ایّام، ائمه علیهم السلام نیستند بلکه کنایه از ایشان هستند تا معنی آن را غیر از اهل حق نفهمند چنانکه خداوند عزوجلّ کنایه فرموده به تین و زیتون و طور سینین و بلد امین، از پیغمبر و علی و حسن و حسین علیهم السلام، و مثالهای دیگری از این قبیل را هم ذکر نموده است.»

حسین بن حمدان در کتاب خود از حسن بن مسعود و محمد بن خلیل روایت کرده است که: «در سامراء به خدمت سید خود امام هادی علیه السلام رسیدیم در حالی که جمعی از شیعیان در نزد آن حضرت بودند.

از آن حضرت در مورد سعد و نحس بودن ایّام سؤال کردیم. ایشان فرمود: «با ایّام دشمنی نکنید که با شما دشمنی می‌کنند.»

از آن جناب معنی حدیث را پرسیدم، ایشان فرمود: «دو معنی دارد یکی ظاهری و دیگری باطنی. ظاهر این است که شنبه برای ماست، یکشنبه برای شیعیان ما، دوشنبه برای بنی امیّه، سه‌شنبه برای پیروان بنی امیّه، چهارشنبه برای

بنی عباس، پنج شنبه برای پیروان بنی عباس و جمعه عید مسلمین است. ولی در اصل شنبه جدّ من رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است و یکشنبه امیرالمؤمنین علیه السلام و دوشنبه حسن و حسین علیهما السلام و سه شنبه علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهما السلام و چهارشنبه موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی علیهما السلام و پنجشنبه من و پسر من و جمعه پسر او (حضرت قائم علیه السلام) است، آن کسی که کلمه‌ها بوسیله او جمع می‌شود یعنی همه دینها یک دین می‌شود، و خداوند نعمت را بوسیله او تمام می‌کند و حق را ثابت و ظاهر کرده و باطل را محو می‌نماید و او مهدی منتظر شماست.»

سپس این آیه را خواندند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بَقِيَّةُ

اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.»^۱

(یعنی: به نام خداوند بخشنده و مهربان، آنچه خداوند برای شما

باقی می‌گذارد برایتان بهتر است اگر مؤمن باشید.)

سپس فرمود: «به خدا قسم او بقیه الله است.»

روز غدیر بهترین عیدهاست و آن هجدهم ذی الحجة

است که در روز جمعه بود و قائم ما اهل بیت در روز جمعه خروج می‌کند و قیامت در روز جمعه برپا می‌شود. در روز جمعه هیچ عملی بهتر از صلوات بر محمد صلى الله عليه وآله و آل او عليهم السلام نیست.»

علامه مجلسی در «بحار» از علمای قدیم نقل کرده است که: «وقتی در روز جمعه نماز صبح را خواندی این شهادت را شروع کن، سپس به صلوات فرستادن بر محمد و آل او عليهم السلام مشغول شو.» و آن دعایی طولانی است و بعضی از قسمتهای آن متعلق به امام عصر عجل الله فرجه می‌باشد:

«اللَّهُمَّ كُنْ لِي وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا
حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ مِنْهَا طَوْلًا وَ تَجْعَلَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ فِيهَا
الْأَيْمَةَ الْوَارِثِينَ وَ اجْمَعْ لَهُ شَمْلَهُ وَ اكْمِلْ لَهُ أَمْرَهُ وَ اصْلِحْ لَهُ رَعِيَّتَهُ
وَ ثَبِّتْ رُكْنَهُ وَ افرغِ الصَّبْرَ مِنْكَ عَلَيْهِ حَتَّى يَنْتَقِمَ فَيَشْفِي وَ يَشْفِي
حَرَازَاتِ قُلُوبِ نَقْلَةٍ وَ حَرَازَاتِ صُدُورِ وَغَرَّةٍ وَ حَسْرَاتِ أَنْفُسِ
تَرْحَةَ مِنْ دِمَاءِ مَسْفُوكَةٍ وَ أَرْحَامِ مَقْطُوعَةٍ وَ طَاعَةِ مَجْهُولَةٍ قَدْ
أَحْسَنْتَ إِلَيْهِ الْبَلَاءَ وَ وَسَّعْتَ عَلَيْهِ الْآلَاءَ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ النِّعْمَاءَ فِي

حُسْنِ الْحِفْظِ مِنْكَ لَهُ اللَّهُمَّ اكْفِلْهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَ اَنْسِهِمْ ذِكْرَهُ وَ
 اَرِدْ مَنْ اَزَادَهُ وَ كِدْ مَنْ كَادَهُ وَ اَمْكُرْ بِمَنْ مَكَرَهُ بِهِ وَ اجْعَلْ دَائِرَةَ
 السُّوءِ عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ فَضِّ جَمْعَهُمْ وَ قَلِّ حَدَّهُمْ وَ اَرْعَبْ قُلُوبَهُمْ وَ
 زَلْزِلْ اَقْدَامَهُمْ وَ اصْدَعْ شَعْبَهُمْ وَ شَتِّ اَمْرَهُمْ فَانْتَبَهُمْ اَضَاعُوا
 الصَّلَوَاتِ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ وَ اجْتَنَبُوا الْحَسَنَاتِ
 فَخَذَهُمْ بِالْمَثَلَاتِ وَ اَرِهِمِ الْحَسْرَاتِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ»^۱

یعنی: «خدایا! برای ولی خودت در میان مخلوقات دوستدار و
 حافظ و رهبر و یاور باش تا اینکه تمام زمینت، فرمانبردار او شود و
 بطور دائم، بهره‌برداری از زمین را به او برسانی و او را و ذریه او را،
 امامان ارث برنده در زمین قرار دهی و جمع کن برای او امور پراکنده‌اش
 را و کامل کن برای او امرش را و اصلاح کن برای او قومش را و ثابت کن
 برای او رکن او را و خالی کن صبر را از جانب خودت بر او تا اینکه
 انتقام بگیرد و پس از آن دلش آرام گیرد و شفا دهد ناراحتی در قلب را -
 که بخاطر خشم و ... ایجاد شده است - و گرمی و سوزش سینه‌ها و نیز

حسرت‌های جان‌هایی که از خون‌های ریخته شده و خویشاوندی‌های قطع شده و اطاعت مجهول، شعله می‌کشد. محققاً نیکو کردی برای او بلاها را و وسعت دادی بر او نعمتها را و تمام کردی بر او نعمتها را در نیکو نگهداری کردن تو او را. خداوند! کفایت کن او را از هول دشمنانش و به فراموشی بینداز آنان را از یاد کردن او و اراده کن هر کسی را که او را اراده کرده است و مکر و جهد کن با هر کسی که با او جهد و مکر می‌کند و قرار بده دایره بدیها و سختیها را بر آنان. خدایا! متفرق کن جمع آنان را و کم کن اطراف آنان را و به ترس بینداز قلبهای آنان را و سست کن قدمهای آنها را و به گروههای آنان آسیب برسان و پراکنده کن امر آنان را که به تحقیق آنان، ضایع کردند نماز را و تبعیت کردند شهوتها را و عمل کردن به بدیها و پرهیز کردند از خوبیها و بگیر آنان را به عقوبت، و حسرتها را به آنها نشان بده بدرستی که تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.»

سید جلیل علی بن طاووس در «جمال الاسبوع» این زیارت را برای حجّت علیه السلام در روز جمعه نقل فرموده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ وَ يُفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهْتَدِبُ الْخَائِفُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النَّجَاةِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ
عَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا
وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَ ظُهُورِ الْأَمْرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ أَنَا
مَوْلَاكَ عَارِفٌ بِأَوْلِيكَ وَ أُخْرِيكَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ وَ
بِآلِ بَيْتِكَ وَ أَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَ ظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ وَ أَسْأَلُ
اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يَجْعَلَنِي مِنَ
الْمُنْتَظَرِينَ لَكَ وَ التَّابِعِينَ وَ النَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ وَ
الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ

يا مَوْلَايَ يا صاحِبَ الزَّمَانِ صَلَّواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَيَّ آلِ
بَيْتِكَ هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَ هُوَ يَوْمُكَ الْمَتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ وَ
الْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ وَ قَتْلُ الْكافِرِينَ بِسَيْفِكَ وَ أَنَا يا
مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَ جَارُكَ وَ أَنْتَ يا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ
الْكَرَامِ وَ مَأْمُورٌ بِالضِّيَافَةِ وَ الْأَجَارَةِ فَاصْفِنِي وَ اجِرْنِي صَلَّواتُ اللَّهِ
عَلَيْكَ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.»

یعنی: «سلام بر تو ای حجت خدا بر روی زمین! سلام بر تو ای چشم خدا در خلق خدا! سلام بر تو ای نور خدا که هدایت شدگان بوسیله این نور هدایت می‌شوند و بوسیله آن، گره از کار مؤمنین باز می‌شود! سلام بر تو ای پاکیزه جان خوف دارنده! سلام بر تو ای سرپرست نصیحت کننده! سلام بر تو ای کشتی نجات! سلام بر تو ای سرچشمه زندگی! سلام بر تو، درود خدا بر تو و بر خاندان خوب و پاک سرشت! سلام بر تو! خداوند در آنچه از یاری و ظهور امر به تو وعده داده تعجیل نماید! سلام بر تو ای مولا و سرپرست من! من فرمانبردار تو هستم، من آشنای به حق اول و آخر شمایم، بوسیله تو و خاندانت به خداوند متعال نزدیک می‌شوم و ظهور تو و آشکار شدن حق را بوسیله دستانت انتظار می‌کشم و از خداوند درخواست می‌کنم که بر محمد و آلش درود بفرستد و مرا از منتظرین تو و از پیروی کنندگان از تو و یاوران تو بر علیه دشمنانت و از به شهادت رسیدگان در رکابت که در زمره اولیای تو هستند قرار دهد، ای مولای من! ای صاحب زمان! سلام خدا بر تو و بر اهل بیت تو! این روز، روز جمعه و روز تو می‌باشد که در آن ظهور شما و گره‌گشائی برای مؤمنین بدست شما و نیز کشته شدن کافرین با شمشیر شما انتظار می‌رود و من ای مولای من، در این روز مهمان و پناهنده شما هستم و تو ای مولای من، کریمی و از فرزندان کرامت هستی و مأمور به مهمان نوازی و پناه دادن می‌باشی پس مرا به مهمانی بپذیر و پناهم بده، سلام خداوند بر شما و بر خاندان پاک شما.»

سید بن طاووس بعد از نقل این زیارت می‌فرماید: من
بیت زیر را بعد از این زیارت می‌خوانم و به اشاره می‌گویم:

نزیک حیث ما اتجهت رکابی و ضیفک حیث کنت من البلاد

یعنی: «به در خانه احسان و نعمت تو فرود آمدم به هر جا که شترم
مرا ببرد و فرود آورد و در هر شهر و دهکده‌ای که باشم میهمان سفره
بخشش و کرم تو هستم.»

و گذشت که سید معظم، صلوات کبیر روایت شده از آن
جناب را که برای خود حضرت است با دعای دیگری که آن
هم متعلق به آن حضرت است در تعقیب نماز عصر روز
جمعه ذکر نموده و در خواندن آن اصرار فراوانی کرده است.
همچنین مستحب است که در روز و شب جمعه، دعای
ندبه معروفه که متعلق به آن حضرت است را بخوانند و
حقیقتاً مضامین آن سوزناک است و جگرها را می‌شکافد و
خون از دیدگان کسانی که اندکی از شربت محبت آن
حضرت خورده باشند و تلخی زهر جدایی آن حضرت را
چشیده باشند جاری می‌کند.

از آن جایی که دعا طولانی است و یافتن آن هم آسان

است از ذکر آن خودداری می‌کنیم.
و نیز فرمودند که بهترین اعمال در روز جمعه گفتن صد مرتبه: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ» بعد از نماز عصر است و در بسیاری از دعاهاى روز جمعه، طلب نصرت و تعجیل فرج و ظهور شده است.

روز عاشورا

سوم: روز عاشورا که روز سرافراز شدن حضرت حجّت علیه السلام از جانب خداوند عزّوجلّ به لقب قائم علیه السلام است چنانکه شیخ جعفر بن محمّد بن قولویه در «کامل الزیارة» از محمّد بن حمران روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «وقتی وقایع شهادت امام حسین علیه السلام اتفاق افتاد، ملائکه بسوی خداوند عزّوجلّ ناله و فریاد کردند و گفتند: «ای پروردگار ما! با حسین برگزیده و پسر پیغمبر تو چنین می‌کنند.»

پس خداوند سایه قائم علیه السلام را به آنها نشان داد و فرمود: «بوسیله او، انتقام حسین علیه السلام را از آنها بی که بر او ظلم کردند می‌گیرم.»

شیخ صدوق در «علل الشرایع» از ابو حمزه ثمالی روایت کرده که گفت: به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا! آیا همه شما قائم به حق نیستند؟»

حضرت فرمود: «بلی.»

گفتم: «پس چرا فقط به حضرت قائم علیه السلام، قائم می‌گویند؟»

حضرت فرمود: «وقتی جدّم حسین علیه السلام کشته شد، ملائکه بسوی خدای تعالی ناله و گریه و زاری کردند و گفتند: الهنا و سیّدنا! آیا از کسی که برگزیده تو و پسر برگزیده از خلق ترا بکشد اعراض خواهی فرمود؟!»

خداوند به ایشان وحی فرستاد که: «ای ملائکه من! آرام بگیرید، قسم به عزّت و جلال خود که حتماً از ایشان انتقام می‌گیرم هر چند مدّتی بگذرد و بعد از زمانی باشد.»

آن گاه خدای تعالی، ائمه از فرزندان حسین علیه السلام را برای ملائکه ظاهر نمود. پس ملائکه خوشحال شدند.

ناگهان دیدند که یکی از آنها ایستاده و نماز می‌خواند. خداوند فرمود: «بوسیله این ایستاده از ایشان انتقام می‌گیرم.»

همچنین روز عاشورا، روز خروج و ظهور آن حضرت است چنانچه شیخ مفید رحمته الله علیه در «ارشاد» از ابی بصیر روایت

کرده که گفت: حضرت صادق علیه السلام فرمود: «منادی در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان به امر حضرت قائم علیه السلام ندا می‌کند و آن حضرت در روز عاشورا خروج می‌کند و آن روزی است که حسین بن علی علیه السلام در آن روز کشته شد.»
از برخی روایات استفاده می‌شود که: یکی از اهداف و فایده‌های ظهور حضرت، خونخواهی و انتقام از قاتلین جدّ بزرگوارش و حتّی فرزندان ایشان و شفای قلوب مؤمنین است و ناراحتی فقط در آن روز پایان می‌یابد.

شیخ عیاشی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «این آیه درباره‌ی امام حسین علیه السلام نازل شد:

«وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا.»^۱

یعنی: «و آن کس که مظلوم کشته شده برای ولیّش، سلطه (و حقّ قصاص) قرار دادیم اما در قتل اسراف نکند چرا که او مورد حمایت اوست.»

سپس فرمود: «او حسین بن علی علیه السلام است که مظلوم

کشته شد و ما اولیای او هستیم و هنگامی که قائم ما خروج می‌کند خون حسین علیه السلام را طلب می‌کند و آنقدر می‌کشد که می‌گویند در قتل اسراف کرد.»^۱

همچنین فرمود: «مقتول، امام حسین علیه السلام است و ولی او، قائم علیه السلام می‌باشد و اسراف در قتل آن است که غیر از قاتل او را بکشد.»

«آنه کان منصوراً: پس بدرستی که دنیا تمام نمی‌شود تا اینکه توسط مردی از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یاری شود که او زمین را از عدل و داد پُر می‌کند چنانچه از ظلم و جور پُر شده باشد.»

در تفسیر علی بن ابراهیم روایت است که فرمود: «آیه **«أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»**^۲ در شأن قائم علیه السلام نازل شده است بدرستی که آن

۱ - که البته سخن آن جماعت، سخن اشتباه و نادرستی است.

۲ - سوره حج آیه ۳۹ یعنی: «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا برای یاری آنها توانا است.»

حضرت خارج شده و خون حسین علیه السلام را مطالبه می‌کند.»
 در غیبت فضل بن شاذان روایت شده که: «شعار
 اصحاب آن حضرت «یا لثارات الحسین» می‌باشد.»
 در یکی از زیارات جامعه در سلام بر آن حضرت ذکر
 شده است:

«السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْعَالِمِ الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ وَ الْحَاضِرِ فِي
 الْأَمْصَارِ وَ الْغَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ وَ الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ بَقِيَّةَ الْأَخْيَارِ
 وَارِثِ ذِي الْفَقَارِ الَّذِي يُظْهِرُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ ذِي الْأَسْتَارِ وَ
 يُنَادِي بِشُعَارِ يَا ثَارَاتِ (لثارات) الْحُسَيْنِ أَنَا الطَّالِبُ بِالْأَوْتَارِ أَنَا
 قَاصِمُ كُلِّ جَبَّارٍ»^۱

یعنی: «سلام بر امامی که عالم است و از دیدگان غایب است و
 حاضر در شهرهاست و غائب از چشمهاست و حاضر در افکارست،
 باقیمانده خوبان است، به ارث برنده ذوالفقار است، کسی که صاحب
 پوششهاست و در خانه خدا ظاهر می‌شود، با شعار یا لثارات الحسین
 فریاد بر می‌آورد که: من طلب کننده خون حسین هستم که انتقامش

گرفته نشده! من طلب کننده خون حسین و افراد حسین هستم! من شکننده هر جبار و ستمگری هستم.»

شیخ برقی در کتاب «محاسن» و ابن قولویه در «کامل الزیارة» از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود: «خداوند هفتاد هزار ملک را مخصوص حسین بن علی علیه السلام کرده است که هر روز بر او صلوات می‌فرستند و آنها از آن روزی که حضرت شهید شده تا آن وقت که خدا می‌خواهد ژولیده مو و غبار آلوده هستند.»

راوی گفت: «حضرت از این مطلب (تا آن وقت که خدا می‌خواهد) خروج قائم علیه السلام را قصد کرد.»

در «امالی» شیخ صدوق از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «وقتی حسین بن علی علیه السلام ضربت شمشیر خورد و قاتل آن حضرت جلو رفت که سر آن حضرت را جدا کند، منادی از جانب پروردگار تبارک و تعالی از میان عرش ندا داد و گفت: آگاه باشید ای امت سرگردان ظالم بعد از پیغمبر خود! خداوند شما را نه برای قربانی و نه برای فطر موفق نکند.»

آن گاه حضرت صادق علیه السلام فرمود: «لاجرم واللّه موفق نمی‌شوید و هرگز موفق نخواهند شد تا آنکه خونخواه حسین علیه السلام یعنی حضرت قائم علیه السلام برخیزد.»

همچنین از ابوالصلت هروری روایت کرده که گفت: خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: «ای فرزندِ رسول خدا! در مورد حدیثی که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «وقتی که حضرت قائم علیه السلام خروج کند فرزندانِ قاتلانِ امام حسین علیه السلام را به سبب اعمال پدرهایشان به قتل می‌رساند؟!» چه می‌فرمایید؟»

امام رضا علیه السلام فرمود: «بلی، چنین است.»
عرض کردم که خدای عزوجل فرموده: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى.»^۱ معنای آن چیست؟»

حضرت فرمود: «حقّ تعالی در تمامی گفته‌هایش راستگو است ولی فرزندانِ قاتلانِ حضرت امام حسین علیه السلام از کارهای پدران خود راضی بودند و به آن افتخار می‌کردند و

۱ - سوره انعام آیه ۱۶۴ یعنی: «هیچ گنهکاری گناه دیگری را متحمل

هر کس که راضی به کاری باشد گویا خود آن کار را کرده است.

اگر مردی در مشرق کشته شود و مردی در مغرب از کشته شدن او راضی باشد همانا در نزد خداوند عزوجل این شخص راضی، شریک آن کشته شده است. بدرستی که حضرت قائم علیه السلام وقتی که ظهور نماید، ایشان را بخاطر راضی بودن از کار پدرهایشان به قتل می‌رساند.»

در زیارت عاشورا مکرر خواسته شده که خداوند طلب خون سیدالشهدا علیه السلام را به همراه امام ظاهر ناطق، مهدی منصور از آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم روزی فرماید و ائمه و اصحاب ایشان مکرراً در نثر و نظم، به ظهور قائم آل محمد علیه السلام خود را از آن مصیبت بزرگ دلداری می‌دادند.

پس روز عاشورا که هم روز ظهور آن حضرت می‌باشد و هم مقصد اعظم که برداشتن ناراحتی و اندوه بوجود آمده از این روز می‌باشد و تماماً اختصاص به آن حضرت دارد و باید در آن بعد از عزاداری و تأسی به آن حضرت در گریه و زاری، اعدای آل محمد را لعن و نفرین کنیم و برای ایشان

طلب هلاک نمائیم و یاری و پیروزی و تعجیل ظهور آن حضرت را - چنانکه در اعمال و آداب این روز اشاره شده - از خداوند بخواهیم. چنانکه در یکی از اعمال پرفضیلت آن که مشتمل بر هزار لعن بر قاتل سیدالشهدا علیه السلام است، قسمتهایی از دعایی که باید در قنوت خواند این است:

«اللَّهُمَّ إِنَّ سُبُلَكَ ضَائِعَةٌ وَأَحْكَامُكَ مُعْطَلَةٌ وَأَهْلَ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ كَالْوَحْشِ السَّائِمَةِ اللَّهُمَّ أَعْلِ الْحَقَّ وَاسْتَنْقِذِ الْخَلْقَ وَآمِنُنْ عَلَيْنَا بِالنَّجَاةِ وَاهْدِنَا لِلْإِيمَانِ وَعَجِّلْ فَرَجَنَا بِالْقَائِمِ عليه السلام وَاجْعَلْهُ لَنَا رِذَاءً وَاجْعَلْنَا لَهُ رِفْدًا.»

یعنی: «پروردگارا! بدرستی که راههای تو گم شده است و احکامت تعطیل شده است و خاندان پیامبرت در زمین سرگردانند، پروردگارا! حق را بالا ببر و خلق را نجات بده و با نجاتمان بر ما منت بگذار و ما را به ایمان هدایت کن و بوسیله ظهور حضرت قائم علیه السلام، در گشایش بر ما تعجیل فرما و او را برای ما ناصر و یاور قرار بده و ما را از گروه او بنما.»

تا اینکه می فرماید:

«اللَّهُمَّ اَرْحَمِ الْعِترَةِ الضَّائِعَةِ الْمُقتُولَةِ الدَّلِيلَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الْمُبَارَكَةِ اللَّهُمَّ أَعْلِ كَلِمَتَهُمْ وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُمْ وَتَبَّتْ قُلُوبُهُمْ

و قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ عَلَى مُوَالَاتِهِمْ وَ انصُرْهُمْ وَ اعْنِهِمْ وَ صَبْرَهُمْ عَلَى
الَّذِي فِي جَنْبِكَ وَ اجْعَلْ لَهُمْ اَيَّاماً مَشهُورَةً وَ اَيَّاماً مَعْلُومَةً كَمَا
ضَمِنْتَ لِاَوْلِيَائِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنزَّلِ فَإِنَّكَ قُلْتَ: «وَعَدَ اللَّهُ
الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»^۱

یعنی: «خداوندا! رحمت فرست بر خاندانی که گم شده‌اند (مردم
رهایشان کرده‌اند) و با بدترین شرایط کشته شدند در حالی که این
خاندان از نسل پاکان و مبارکان بودند. خداوندا! کلمه آنها را بالا ببر و
حجت آنها را پیروز گردان و قلبهای آنها را ثابت بدار و قلبهای
شیعیانشان را بر دوستی آنان ثابت بنما و آنان را پیروز گردان و آنان را
یاری کن و بر اذیتهایی که در جوارت می‌کشند صبر به آنها عطا نما و
برای آنها روزهای مشهور و روزهای معلومی را قرار بده همانگونه که در
کتاب نازل شده‌ات برای اولیائت تضمین کردی پس بدرستی که تو
فرمودی: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و اعمال صالح
داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد

همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند.»

لازم به تذکر است که بودن خروج امام زمان علیه السلام در روز جمعه و عاشورا بنحوی نیست که در سالهایی که این سه روز بر هم منطبق نمی‌شوند نتوان منتظر فرج بود. زیرا غیر از ظهور و خروج حضرت حجة بن الحسن المهدی علیه السلام که اکنون حتمی است و بطور یقین بوقوع خواهد پیوست، سایر علامات و نشانه‌های پیش از ظهور و مقارن آن همگی قابل تغییر و تبدیل و تقدیم و تأخیر و تأویل به چیز دیگری که از اهل بیت علیهم السلام رسیده باشد هستند حتی آن علاماتی که حتمی قلمداد شده‌اند.

زیرا ظاهراً مقصود از حتمی در این روایات آن نیست که اصلاً قابل تغییر نباشد بلکه مراد از «والله يعلم» مرتبه‌ای از تأکید است که منافاتی با تغییر در مرحله‌ای از آن ندارد. این ادعا را تأیید می‌کند آنچه که شیخ نعمانی در کتاب «غیبت» خود از داوود بن قاسم بن جعفری روایت کرده که:

در محضر امام جواد علیه السلام بودیم که سخن از سفیانی به میان آمد و این که بنابر روایات خروج او حتمی است.

به امام جواد علیه السلام عرض کردم: «می ترسم که خداوند در خروج قائم علیه السلام هم بداء حاصل نماید.»

حضرت فرمودند: «بدرستی که قائم علیه السلام از میعاد است و خداوند خلف میعاد نمی کند.»

احتمال دارد که هر کدام از این روزهای جمعه و عاشورا، روز یکی از حالات آن حضرت باشد مانند خروج از روستای کرعه یا ظهور در مکه معظمه یا زمان غلبه بر دشمنان و قتل گردنکشان یا استقرار در کوفه که مقرر سلطنت آن حضرت است و

(نکته: لازم به تذکر است که سه روایت در مورد نوروز وجود دارد که در آن روایات، عید نوروز به اسلام و ظهور امام زمان علیه السلام نسبت داده شده است، در حالی که بنابر نظر علماء، سند این چند روایت که از یک راوی زرتشتی نقل شده ضعیف می باشد. متأسفانه در این زمان، عید نوروز - که

عید آتش پرستان بوده است - بزرگترین عید شیعیان محسوب شده و به آن بسیار بیشتر از اعیاد اسلامی اهمیت داده می‌شود که متأسفانه اکثراً در این مورد از صراط مستقیم اهل بیت علیهم السلام خارج می‌باشند.

بعضی از (به اصطلاح) مذهبی‌ها نیز این عید را اینگونه توجیه و تفسیر می‌کنند که: «در این ایّام، صلّه ارحام و دید و بازدیدها زیاد می‌شود و این امر مبارک و میمونی می‌باشد، پس این عید مبارک و اسلامی است.»

به این افراد عرض می‌کنیم که: چرا همین زیاد شدن صلّه ارحام و دید و بازدیدها را در اعیاد اسلامی مانند عید غدیر و نیمه شعبان و اعیاد بزرگ دیگر، رسم نمی‌کنید؟! چرا این چند روز تعطیلی که در ایّام نوروز وجود دارد را به اعیاد اسلامی منتقل نمی‌کنید؟! چرا بر عیدی که توسط آتش پرستان و دشمنان خدا و پیامبر و اهل بیت علیهم السلام بنیان نهاده شده، اهمیت می‌دهید و آن را به بزرگترین عید شیعیان تبدیل کرده‌اید؟! (و بسیار چراهای دیگر که بخاطر اینکه بیشتر از این مورد تهمت و افتراء واقع نشویم آنها را ذکر

نمی‌کنیم. به امید روزی که با ظهور امام زمان علیه السلام بسیاری از رسم و رسومات شیطانی و باطل جامعه نابود شده و رسم و رسومات الهی و امام زمانی در جامعه پیاده شود! ^۱

از وقت طلوع فجر تا غروب آفتاب هر روز

چهارم: علماء، هر روز از طلوع فجر تا غروب آفتاب را به دوازده بخش تقسیم کرده‌اند بطوری که با تغییر فصل‌ها تغییری نکند و هر قسمت را به امامی منسوب کرده‌اند.

سید جلیل علی بن طاووس در کتاب «امان الاخطار» فرموده است که: هر ساعتی از روز مختصّ به یکی از ائمه علیهم السلام است و برای آن، دو دعا وجود دارد.

بنابر روایات، هر یک از امامان برای ساعت خود مثل نگهبان و حامی است. پس ساعت اوّل برای مولایمان علی علیه السلام است تا دوازدهم که مخصوص مولایمان مهدی علیه السلام می‌باشد، و انسان در هر ساعتی از آن ساعات چه زمستان و چه تابستان به آنچه مخصوص آن ساعت است دعا کند زیرا که مقدار روز هر چقدر باشد به دوازده قسمت و دوازده دعا تقسیم می‌شود.

پس اگر در ساعتی که متعلق به یکی از ائمه علیهم السلام است برای سفر از خانه خارج شدی، این دعا را بخوان: «خداوندا! مولای من فلان (صلوات الله علیه) را برسان (و اسم آن امام را ببرد) که ما بر او سلام می فرستیم و ما به سبب اقبال جناب تو به او توجه می کنیم تا به امر تو، ضامن نگهداری و حمایت و سلامت و کمال سعادت ما باشد و در آن ساعتی که او را نگهدار آن ساعت گرداندی به هر سو که برویم متوجه او باشیم.»

و من می گویم: هر گاه در ساعتی که اختصاص به یکی از ایشان دارد به منزلی وارد شدی یا از آنجا خارج گشتی، بگونه‌ای که به آن حضرت نزدیک شوی بر او سلام کن و از او بخواه تا ترا در آن چه که در این ساعت اتفاق می افتد ضمانت کند.

پس اگر خدا این را از تو نمی خواست به آن راهنمایت نمی کرد و وقتی به آن عمل کردی خدای عزوجل ترا بسوی خود هدایت می کند و حرکات و سکناات در سفر همگی عبادت و سعادت آخرت محسوب می گردد.»

چون کتاب «امان الاخطار» در مورد آداب سفر نوشته شده است، لذا فقط به آثار توسل به ائمه علیهم السلام در سفر اکتفا کرده است و الا آن چه را که گفته در هر کار دنیوی و اخروی که انسان می‌خواهد شروع کند مؤثر است.

و اما دو دعای مخصوص به امام عصر علیه السلام که باید در ساعت دوازدهم روز خوانده شود:

اول آن، این است:

«يا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنْ خَلْقِهِ يا مَنْ غَنِيَ عَنْ خَلْقِهِ بِصُنْعِهِ يا مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ بِلُطْفِهِ يا مَنْ سَلَكَ بِأَهْلِ طَاعَتِهِ مَرْضَاتِهِ يا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلَى شُكْرِهِ يا مَنْ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِدِينِهِ وَ لَطَفَ لَهُمْ بِبَنَائِلِهِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَ لِيكَ الْخَلْفِ الصَّالِحِ بِقِيَّتِكَ فِي أَرْضِكَ الْمُنتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِكَ وَ بَقِيَّةِ آبَائِهِ الصَّالِحِينَ

م ح م د ب ن الح سن و اتضرع اليك به و اقدمه بين يدي حوائجي و رغبتني اليك ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تفعل بي كذا و كذا و ان تداركني و تنجيني مما اخاف و اهدرو و البسني به عافيتك و عفوك في الدنيا و الآخرة و كن له ولياً و

حَافِظاً وَ نَاصِراً وَ قَائِداً وَ كَالِئاً وَ سَاتِراً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ
تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ
أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ وَ أُولَى الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ وَ ذَوِي
الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَ الْمَوَالِي الَّذِينَ أَمَرْتَ بِعِرْفَانِ
حَقِّهِمْ وَ أَهْلَ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ
تَطْهِيراً أَسْأَلُكَ بِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ
بِي كَذَا وَ كَذَا.»

یعنی: «ای کسی که بوسیله ذات خود یگانه و تنها از خلق خود شد!
ای کسی که بوسیله آفرینشش، از خلق بی نیاز شد! ای کسی که از روی
لطف، خودت را به خلق شناساندی! ای کسی که اهل اطاعتش را به
جایی که مورد رضایت خویش است می بری! ای کسی که دوستانداریت
را بر شکرگزاریت یاری می کنی! ای کسی که بر دوستانداریت با دینت
منت گذاری و به آنها با رساندنشان به آنچه خود می خواهی لطف
نمودی! از تو درخواست می کنم به حق ولی و جانشین صالحت که باقی

مانده تو روی زمینت می باشد و انتقام گیرنده تو از دشمنانت و دشمنان رسولت و باقیمانده پدران صالحش م ح م د پسر حسن می باشد و بوسیله او بسوی تو تضرع می جویم و او را پیشاپیش حاجت‌هایم و درخواست‌هایم بسوی تو قرار می دهم که درود بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه با من (اینگونه و اینگونه) رفتار کنی، و اینکه مرا درک کنی و مرا نجات دهی از آنچه که از آن می ترسم و دوری می کنم و بوسیله آن، لباس عافیت و عفو و بخششت را در دنیا و آخرت بر من بپوشان و برای او یاور و حفظ کننده و یاری کننده و رهبر و ساتر و سایه بان باش تا اینکه در زمینت ساکن شود و برای مدت طولانی از آن بهره گیرد، ای مهربانترین مهربانان و هیچ حول و نیرویی نیست مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ، پس خدا ترا از آنها کفایت می کند و او شنوای داناست. خدایا! بر محمد و اهل بیت محمد درود فرست، آن صاحبان امری که دستور به اطاعت آنها دادی و صاحبان ارحامی که دستور صله ارحام از آنها را صادر کردی و نزدیکانی که به دوستی آنها امر نمودی و سرپرستانی که دستور به شناخت حق آنها دادی و اهل بیتی که پلیدی را از آنها دور ساختی و آنها را پاک گردانیدی، از تو می خواهم به حق آنها، بر محمد و آل او درود فرستی و در مورد من انجام دهی فلان چیز و فلان چیز را.»

و اما دعای دوم، پس این است:

«اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَ الْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ وَ رَازِقِ
الْعَاصِي وَ الْمُطِيعِ الَّذِي لَيْسَ مِنْ دُونِهِ وَ لِيٍّ وَ لَا شَفِيعَ أَسْأَلُكَ
بِأَسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا سُمِّيتْ عَلَى طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ يُسْرًا وَ إِذَا
وُضِعَتْ عَلَى الْجِبَالِ كَانَتْ هَبَاءً مَنثورًا وَ إِذَا رُفِعَتْ إِلَى السَّمَاءِ
تَفْتَحَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ وَ إِذَا هَبَطَتْ إِلَى ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ لَهَا
الْمَضَائِقُ وَ إِذَا دُعِيَتْ بِهِ الْمَوْتَى انْتَشَرَتْ مِنَ اللَّحُودِ وَ إِذَا
نُودِيَتْ بِهِ الْمَعْدُومَاتِ خُرَجَتْ إِلَى الْوُجُودِ وَ إِذَا ذُكِرَتْ عَلَى
الْقُلُوبِ وَجِلَتْ خُشُوعًا وَ إِذَا قَرَعَتْ الْأَسْمَاعَ فَاصَتْ الْعُيُونُ
دُمُوعًا أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ الْمُؤَيَّدِ بِالْمُعْجَزَاتِ الْمَبْعُوثِ
بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبِ الَّذِي اخْتَرْتَهُ
لِمُوَخَاتِهِ وَ وَصَيْتَهُ وَ اصْطَفَيْتَهُ لِمُضَافَاتِهِ وَ مُضَاهِرَتِهِ وَ بِصَاحِبِ
الزَّمَانِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي تَجَمَّعَ عَلَى طَاعَتِهِ الْأَرَاءُ الْمُتَفَرِّقَةُ وَ تُؤَلَّفُ
لَهُ الْأَهْوَاءُ الْمُخْتَلِفَةُ وَ تَسْتَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ أَوْلِيَائِكَ وَ تَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ
شَرَارِ أَعْدَائِكَ وَ تَمَلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ إِحْسَانًا وَ تُوسِّعُ عَلَى الْعِبَادِ
بِظُهُورِهِ فَضْلًا وَ اِمْتِنَانًا وَ تُعِيدُ الْحَقَّ مِنْ مَكَانِهِ عَزِيزًا حَمِيدًا وَ

تُرْجِعَ الدِّينَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًا جَدِيدًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ فَقَدْ اسْتَشَفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيِ
حَوَائِجِي وَأَنْ تُوْزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِ وَ
الْهِدَايَةِ إِلَى طَاعَتِهِ وَأَنْ تَزِيدَنِي قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ بِعِصْمَتِهِ وَ
الْإِقْتِدَاءِ بِسُنَّتِهِ وَالْكَوْنِ فِي زُمْرَتِهِ وَشِبَعَتِهِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^۱

یعنی: «خداوندا! ای آفریننده آسمان بلند و زمین پست و ای
روزی دهنده گنهگار و مطیع، که هیچ ولی و سرپرست و شفاعت
کننده‌ای برای او نیست، از تو می‌خواهم به نامهایت که اگر آن نامها را بر
مسائل و راههای دشوار بخوانی آسان می‌شود و اگر بر کوهها قرار داده
شود آنها را مانند ذرات غبار پراکنده در هوا می‌گرداند و اگر بسوی
آسمان بالا روند برای آنها راههای بسته، باز می‌شود و اگر به
تاریکی‌های زمین فرو روند تنگ‌ها برایشان وسیع می‌شود و اگر بوسیله
آنها، مردگان از قبرها خوانده شوند و از لحد‌های خود بیرون بیایند و
اگر بر نیستها خوانده شوند موجود می‌شوند و اگر بر قلبها یاد شوند از

خشوع ترسان می شوند و اگر بر گوشها زده شوند چشمها، مانند چشمه جوشان اشک می گردند، از تو می خواهم به حق محمد، فرستاده‌ات که با معجزات تأیید شده و با آیات محکم مبعوث شده و به امیرالمؤمنین علی فرزند ابیطالب که برای برادری و جانشینی پیامبر اختیارش کردی و به دوستی خاص و دامادیش برگزیدی و به صاحب زمان، مهدی که آراء پراکنده را بر اطاعتش جمع می کنی و هواهای مختلف را برای او جمع آوری می کنی و بوسیله او حقوق دوستان را خلاصی می دهی و از بدهای دشمنان بوسیله او انتقام می گیری و بوسیله او زمین را پُر از عدل و احسان و نیکی می کنی و با ظهور او بر بندگان تفضل می نمایی و منت می گذاری و بر آنها وسعت می دهی و حق را از مکانش در حالی که عزیز و حمید است باز می گردانی و با دستانش، دین را با طراوت جدیدی باز می گردانی، که درود فرستی بر محمد و آل محمد و همانا من بوسیله آنها بسویت طلب شفاعت کرده‌ام و آنها را پیش روی خودم و پیشاپیش حاجت‌هایم قرار داده‌ام و اینکه شکر نعمتهایت را بوسیله توفیق به شناخت او و هدایت بسوی بندگی و فرمانبرداری از او به من عطا کنی و اینکه نیروی مرا در تمسک به عصمت او و اقتدا به سنت او و بودن در زمره شیعیان او افزایش دهی همانا تو شنوای دعا هستی، به امید رحمت ای مهربانترین مهربانان.»

شیخ ابراهیم کفعمی بعد از نقل این دعاها گفته است:
«این ادعیه در «متهجد» شیخ طوسی نیست ولی من آنها را
در بعضی از کتابهای اصحاب خودمان در حالی که با آب طلا
نوشته شده بود مشاهده کردم.»

مخفی نماند که دعای اوّل با آنچه سیّد بن باقی در کتاب
«اختیار» و علامه در «منهاج الاصلاح» نقل کرده‌اند مطابق
است ولی شیخ طوسی در «مصباح» تا «أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.» نقل کرده و قسمتی که
در دعای هر امامی موجود است در آنجا وجود ندارد.

عصر دوشنبه و عصر پنجشنبه

پنجم و ششم: عصر دوشنبه و عصر پنجشنبه.

در این دو وقت اعمال بندگان بر امام عصر عجله عرضه می‌شود همانطور که در زمان هر امامی بر همان امام و در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می‌شد و اخبار در این مورد بسیار است و در بیشتر آنها به عصر تصریح نشده ولی در بعضی دیگر اشاره شده است.

شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر آیه شریفه «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسِرِّي اللَّهُ عَمَلِكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»^۱ آورده است که: در اخبار آمده که اعمال امت را در هر شب دوشنبه و پنجشنبه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام عرضه می‌کنند و مراد از مؤمنون در این آیه، امامان معصوم علیهم السلام می‌باشند.

۱ - سورة توبه آیه ۱۰۵ یعنی: «بگو: عمل کنید که خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند.»

در «امالی» شیخ طوسی و «بصایر» از داوود رقی روایت شده است که: در نزد حضرت صادق علیه السلام نشسته بودم که ناگهان آن حضرت فرمود: «ای داوود! بدرستی که روز پنجشنبه اعمال شما بر من عرضه شد و در اعمال تو صلهٔ رحم نسبت به پسر عمویت را دیدم و شادمان گردیدم. بدرستی که می‌دانم صلهٔ رحم تو باعث کم شدن عمر او و رسیدن اجلش می‌گردد.»

داوود می‌گوید: «من پسر عمویی بدکردار و معاند داشتم. به من خبر دادند که حال او و همسرش بد است. پس من هم پیش از حرکت به مکه، حواله‌ای نوشتم تا به او کمک مالی شود، پس وقتی به مدینه رسیدم مشاهده کردم که امام صادق علیه السلام از موضوع باخبر است.»

همچنین در «بصائر الدرجات» صفار از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «اعمال در روز پنجشنبه بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام عرضه می‌شود.» و در خبر دیگر فرمود: «اعمال بندگان هر شامگاه روز پنجشنبه بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عرضه می‌شود، پس یکی از شما حیا کند که عمل زشتش بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عرضه شود.»

و نیز از یونس روایت کرده است که: امام رضا علیه السلام درباره روزها صحبت می‌کرد، وقتی به پنجشنبه رسید فرمود: «آن روزی است که اعمال بر خداوند و رسولش و ائمه علیهم السلام عرضه می‌شود.»

و نیز از عبدالله بن ابان روایت کرده که: امام رضا علیه السلام فرمود: «به خدا قسم که اعمال شما در هر پنجشنبه بر من عرضه می‌شود.»

سید جلیل علی بن طاووس در «رسالة محاسبة النفس» می‌گوید: «روایت معتبر و مورد اتفاق دیدم که اعمال در روز دوشنبه و پنجشنبه بر خداوند عزوجل عرضه می‌شود و از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است که: در روز دوشنبه و پنجشنبه اعمال بر خداوند جل جلاله و رسول او صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام عرضه می‌شود.»

سپس از شیخ طوسی نقل می‌کند که در «تفسیر تبیان» گفته است: «مرویست که در هر دوشنبه و پنجشنبه اعمال بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می‌شود و آن حضرت به آنها آگاه می‌گردد و بر ائمه علیهم السلام عرضه می‌شود و آنان هم آگاه می‌شوند.»

و جمله‌ای به این مضمون از اهل سنت نقل می‌کند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «اعمال امت من در هفته، دو مرتبه در روز دوشنبه و پنجشنبه به خداوند عرضه می‌شود. پس همهٔ بندگان را می‌آمرزد مگر کسی که با برادرش دشمنی داشته باشد و می‌فرماید این دو را بگذارید.» همچنین روایت کرده است که: آن حضرت روز دوشنبه و پنجشنبه را روزه می‌گرفتند.

یک نفر علت این کار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را پرسید. حضرت فرمود: «اعمال در هر دوشنبه و پنجشنبه بالا می‌رود و من دوست دارم عملم در حالی که روزه‌دار هستم بالا برود.» سپس سید بن طاووس می‌گوید: «شایسته است انسان در هر دوشنبه و پنجشنبه به هر طریقی در بدست آوردن توفیق، کوشش کند و مبادا که در این دو روز در طاعت و عبادت کوتاهی نماید بلکه باید تا می‌تواند در بدست آوردن سلامت روحی خود تلاش نماید زیرا عقل و نقل هر دو اقتضا می‌کند که هنگام عرض بنده به سلطان، بنده آماده و بی‌نقص باشد.»

در فصل هفتم کتاب «جمال الاسبوع» آمده است: «یکی از اهمیت‌های روز دوشنبه آن است که در این روز اعمال بر خدا و رسول خاصان او (صلوات الله علیه) عرضه می‌گردد.

روایت شده است که: «وقت عرضه اعمال در این دو روز، هنگام پایان یافتن روز می‌باشد، پس سزاوار است بنده‌ای که حرمت کسی که اعمال بر او عرضه می‌شود را می‌شناسد، اعمال خود را تا جائی که می‌تواند محاسبه و اصلاح کند و به یاد داشته باشد که آن اعمال بر خداوند آگاه به اسرار، عرضه می‌شود و سپس بر خواصّ والا مقام خداوند عرضه می‌گردد و رسوایی گناهان کبیره و صغیره نزد خداوند و آن حضرات آشکار می‌شود. پس چگونه این مطلب در نزد بنده‌ای که خداوند را به بزرگی و عزّت و قدرت تصدیق کرده و به روز قیامت ایمان دارد، کوچک و آسان است.»

سید بن طاووس در «کشف المحجّة» به فرزندش سفارش کرده است که: «در هر دو روز دوشنبه و پنجشنبه، حاجات خود را خدمت حضرت مهدی علیه السلام عرض کن، البته بعد از سلام بر آن حضرت بوسیله زیارتی که اوّلش این است: «سلام الله الكامل التام» تا آخر.

سپس بگو: «يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُرْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ.»^۱

تا آخر کلمات شریفه که چون منقول نبود و به سادات اختصاص داشت نقل نکردیم.

بنا به روایت شیخ طوسی در غیبت: اعمال در مرتبه اول بر حضرت حجّت علیه السلام، سپس بر هر یک از ائمه علیهم السلام، بعد به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و آنگاه بر خداوند متعال عرضه می‌شود و به حسب تقسیم ساعات روز نیز این ساعت مختص به حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد و نیز وقت آن است که موکلین روز، بالا روند و موکلین شب فرود آیند.

بنابراین انسان باید در اصلاح اعمال و جبران آنچه که از دست رفته، نهایت مراقبت را بنماید و موانع توجه و تضرع را برطرف کند و از مجالس اهل غفلت دوری کرده و به

۱ - یعنی: «ای عزیز! به ما و اهل ما سختی و تنگی رسیده است و ما با توشه‌ای ناچیز بسوی تو آمده‌ایم پس پیمانۀ ما را پُر کن و بر ما تصدّق نما که همانا خداوند جزای صدقه دهندگان را می‌دهد.»

امام عصر علیه السلام متوسّل شود و از آن حضرت شفاعت در اصلاح کارنامه اعمال و تبدیل سیئات به حسنات، و حسنات به بهترین حسنات شود چنانکه آن حضرت در دعای مشهوری که برای شیعیان خود نموده، همین مطلب را از خداوند متعال خواسته است.

همچنین در شب و روز دوشنبه و پنجشنبه انسان سعی کند عمل خالص انجام دهد که شاید به برکت آن عمل خالص، سایر بدیهای او را ببخشند.

انسان باید این دو روز را به اعمالی اختصاص دهد که در روایات آمده است مثل:

استحباب خواندن هزار مرتبه سوره «قدر» در هر یک از آنها.

خواندن سوره «انسان» در نماز صبح این دو روز.

(دو سوره قدر و انسان مخصوص امام عصر علیه السلام است.)

جارو کردن مسجد در این روز.

خواندن استغفار وارد شده در آخر روز پنجشنبه و سایر

اعمالی که در محلّش آمده است.

شب و روز نیمه شعبان

هفتم: شب و روز نیمه شعبان که خداوند نعمت بزرگ ولادت امام زمان علیه السلام را در آن به بندگان عطا فرموده است.

در بیان عظمت و احترام این وقت شریف کافی است آنچه که زبان اهل بیت علیهم السلام یعنی سید بن طاووس قدس سره در «اقبال» گفته است را ذکر کنیم. ایشان می‌گوید: «بدان! مولای ما حضرت مهدی علیه السلام کسی است که راستگویان و معتمدان اتفاق دارند به اینکه پیغمبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به ولادت آن حضرت و بزرگی مسلمانان به ریاست و حکومت آن حضرت، بشارت داده است و نیز گفته‌اند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کمالات او را شرح داده و تصریح کرده که عظمت و بزرگی او به جایی می‌رسد که هیچ یک از پیامبران و اوصیاء به آن مقام نرسیده‌اند و حتی سلیمان - که در حکومت خود به جنّ

و انس فرمان می‌داد - به آن جایگاه نرسیده است، زیرا که وقتی سلیمان گفت: «هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي.»^۱ در جواب فرمود: «درخواست ترا در اینکه بعد از تو بیشتر به احدی عطا نکنیم را اجابت کردیم.» بلکه خداوند جلّ جلاله فرمود:

«فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ * وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بِنَاءٍ وَغَوَاصٍ * وَآخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ.»^۲

یعنی: «پس ما باد را مسخر او ساختم تا به فرمانش به نرمی حرکت کند و به هر جا که او می‌خواهد برود، و شیاطین را مسخر او کردیم و هر بنا و غواصی از آنها را و گروه دیگری را در غل و زنجیر (تحت سلطه او) قرار دادیم.»

و مسلمین همگی متفق هستند که خاتم النبیین حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، فضیلت و سیادتی دارد که هیچ یک از پیامبران حتی حضرت سلیمان علیه السلام ندارد و اینکه مهدی علیه السلام

۱ - سوره ص آیه ۳۵ «یعنی: پروردگارا! حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد که تو بسیار بخشنده‌ای.»

۲ - سوره ص آیات ۳۶ تا ۳۸

در آخر الزمان ظهور خواهد کرد در حالی که پایه‌های دین انبیاء از بین رفته و اثری از شعائر مذهبی جز ظاهری مندرس باقی نمانده است، پس زمین را بعد از اینکه از جور و جهل و ظلم، پُر شده است از عدل و داد و حکمت، پُر می‌کند.

و خدای تعالی پیامبر خود محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را برای تجدید مراسم انبیای پیشین و زنده کردن روش نیکوکاران گذشته فرستاد و هیچ یک از پیامبران گذشته نتوانستند آن گونه که حضرت مهدی علیه السلام موفق به انجام آن می‌شود، در این کار موفق بشوند. سزاوار است که احترام و تعظیم این شب رعایت شود به جهت دلالت آن حضرت، که مسلمین به حقوق امامت ایشان اعتراف دارند به اندازه آن چیزی که جدّ او حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ذکر نموده و سعادتمندان امت خود را به آمدن او بشارت داده است.

بعد می‌گوید: در شب نیمه شعبان انسان این دعا را - که در آن، خدا را به حق این مولود عظیم الشان قسم داده‌اند - بخواند:

«اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا الَّتِي
قَرَنْتَ إِلَىٰ فَضْلِهَا فَضْلًا فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ
لِكَلِمَاتِكَ وَلَا مُعَقَّبَ لِآيَاتِكَ نُورُكَ الْمُتَالِقُ وَضِيائِكَ الْمُشْرِقُ وَالْعَلَمُ
النُّورُ فِي طَخْيَاءِ الدَّيْجُورِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَكَرَّمَ
مَحْتَدُهُ وَالْمَلَائِكَةُ شُهَدَاءُهُ وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ إِذَا أَنْ
مِيعَادُهُ وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُؤُ وَنُورُهُ الَّذِي
لَا يَخْبُؤُ وَذُو الْجِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُؤُ مَدَارُ الدَّهْرِ وَنَوَامِيسُ الْعَصْرِ وَ
وَلَاةُ الْأَمْرِ الْمُنَزَّلِ عَلَيْهِمْ مَا يَنْزَلُ عَلَيْهِمْ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَأَصْحَابُ
الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ تَرَاجِمَةٌ وَحِيَهُ وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَىٰ
خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوَالِمِهِمُ اللَّهُمَّ وَأَدْرِكْ بِنَايَاتِهِمْ وَ
ظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَاقْرِنْنَا بِثَارِهِ وَاكْتُبْنَا فِي
أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ وَأَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ وَفِي صُحْبَتِهِ غَانِمِينَ وَ
بِحَقِّهِ قَائِمِينَ وَمِنَ السُّوءِ سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَ
عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِزَّتِهِ النَّاطِقِينَ وَالْعَنْ جَمِيعَ
الظَّالِمِينَ وَاحْكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ»

یعنی: «خدا یا به حق این شب نیمه شعبان و مولود مبارکش در این شب و حجت موعود آن که فضیلتی بر فضایلش افزودی، پس کلمه توحید و دین تو از جهت صدق و عدالت به حد کمال رسید. کلمات تو تغییر و تبدیل نمی یابد و آیات تو قابلیت تعقیب ندارد که آنها انوار مشعشع و روشنی بخش و فروزنده است و راهنمای نور معرفت در این شب تاریک عالم، همان امام غائب پنهان از نظرها می باشد که محل تولدش، معظم و جایگاه ظهورش مکرم است. فرشتگان گواهان او هستند و خداوند یاور و نیروبخش اوست هنگامی که وعده ظهورش فرا برسد و فرشتگان یاریش می کنند. او شمشیر قهر خداست که کند نمی شود و نور خداست که خاموش نمی شود و صاحب مقام حلم است که سبک سر نمی گردد. او مدار روزگار و حافظ و نگهدار دو زمان است، و آنها والیان امرند که آنچه در شب قدر نازل می شود بر آنها نزول می یابد. آنها صاحبان حشر و نشر خلق و مترجم و مفسران وحی او و نگهبان امر و نهی خدا هستند. پروردگارا! پس بر امام خاتم و قائم آن ائمه هدی که پنهان است درود بفرست. بارالها! ما را به ایام قیام و ظهور او برسان و ما را از یاری کنندگان او قرار بده و خون ما را با خون او قرین گردان و ما را در دفتر یاران و خاصان و دوستانش ثبت بفرما و ما را در دولت او با خوشی زنده بدار و از صحبتش ما را بهره مند گردان و به حق

او استوار ساز و از هر بدی محفوظ دار ای مهربانترین مهربانان عالم،
و ستایش مخصوص خداست و درود بر آقای ما، حضرت محمد صلی الله علیه و آله
که خاتم پیامبران و رسولان است و درود بر خاندان صادق و عترت
ناطق آن بزرگوار. و لعنتت بر تمام ظالمان جهان باد و تو میان ما و
ظالمان عالم حکم فرما که تو بهترین حکفرما هستی.»

بر صاحبان بصیرت معلوم است همانگونه که زمان‌های
مذکور مخصوص به امام زمان علیه السلام می‌باشند و لازم است که
در این مواقع، توجه و استغاثه بیشتری داشته باشیم،
مکان‌هایی هم وجود دارند که از روی بعضی احادیث و
روایات بسیار احتمال می‌رود که آن حضرت در مواقعی
خاص در آن مکانها باشند.

پس سزاوار است که انسان در آن مکانها حاضر شود هر
چند امام زمان علیه السلام را نبیند یا نشناسد، زیرا اقامت آن
حضرت در یک مکان باعث نزول رحمت و برکت و الطاف
خاص خداوندی است و شاید به برکت همجواری و بودن با
آن معدن خیر و برکت، لطف و رحمت شامل حال او بشود

هر چند مستحقّ آن نباشد، همانطور که بودن با کسانی که مورد غضب و لعن خداوند هستند ممکن است باعث ملعون شدن و دوری از رحمت خداوند بشود.

شیخ صدوق در «کمال الدّین» فرموده است که: «در اخبار صحیح از ائمه علیهم السلام روایت است که: هر کس رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم یا یکی از ائمه علیهم السلام را در خواب ببیند که وارد شهر یا روستایی شده‌اند بدرستی که تعبیر آن خواب برای اهالی آنجا، امان ماندن از چیزی است که از آن می‌ترسیدند و رسیدن به آن چیزی است که آرزویش را داشتند. شیخ کلینی و شیخ طوسی از محمد بن مسلم روایت کرده‌اند که گفت: من در کنار قاضی مدینه نشسته بودم که امام باقر علیه السلام (یا امام صادق علیه السلام) از آن جا عبور کردند. فردا خدمت آن حضرت رفتم. ایشان فرمود: «آن چه مجلسی بود که دیروز ترا در آن دیدم؟»

گفتم: «فدایت شوم! این قاضی به من احترام می‌گذارد من هم زیاد در کنار او می‌نشینم.»

حضرت فرمود: «چه چیز ترا از اینکه بلایی نازل شود و شامل همهٔ اهل مجلس شود ایمن ساخته است؟!»

و شواهد زیادی بر این مطلب وجود دارد و هدف آگاهی دادن به این موضوع است که حضور در این مکان‌ها باید غنیمت شمرده شود.

از جمله این مکان‌ها عرفات در هنگام حج می‌باشد و همچنین مرقد‌های شریفه در اوقات بافضیلت که در شرع تأکید و تشویق شده که در این مکان‌ها حاضر شویم و مؤمنان را در این مکان‌ها تشییع کرده و بر جنازه‌های آنها نماز بخوانیم.

چنانکه جماعتی از علماء مثل ابن شهر آشوب و قطب راوندی و محمد بن علی طوسی در «ثاقب المناقب» در حدیثی مبسوط نقل کرده‌اند که: در سال آخر حیات امام صادق علیه السلام، شیعیان در نیشابور جمع شدند و ابوجعفر محمد بن ابراهیم نیشابوری را معین کردند و سی هزار اشرفی و دو هزار جامه از سهم امام علیه السلام را به او سپردند تا او، آن اموال را به امام صادق علیه السلام برساند.

پیرزنی شیعه و فاضله که نامش شطیطه بود نزد او آمد و یک درهم پول و مقداری کرباس که بهایش چهار درهم بود

به او داد و گفتم: «در مال من بیش از این سهم امام علیه السلام نیست، آن را به مولایم بده.»

آن شخص گفت: «من حیا می‌کنم که این چیز کم را نزد آن حضرت ببرم.»

او گفت: «خداوند حیا نمی‌کند! از حق امام علیه السلام این مقدار در مال من است. آن را بردار تا من خداوند را در حالی که حقی از او چه کم و چه زیاد در نزد من باشد ملاقات نکنم. این بهتر از این است که حقی از امام صادق علیه السلام در گردن من باشد.»

آن مرد قبول کرد و با آن اموال روانه شد. با او بسته‌ای بود که در آن نامه‌های سر به مهری وجود داشت که حاوی سؤالاتی بود. اهالی نیشابور به او گفتند: «یک شب نزد امام صادق علیه السلام بمان و بسته سؤالات را به آن حضرت بده. سپس نگاه کن، اگر دیدی مهرش سالم بود آن را باز کن که اگر جواب نامه‌ها در آن نوشته شده بود بدان که او امام واقعی است و اموال را به او بده ولی در غیر این صورت اموال را برگردان.»

آن شخص وقتی به کوفه آمد خبر وفات حضرت صادق علیه السلام را شنید. به مدینه رفت و سراغ وصی حضرت را گرفت. او را بسوی عبدالله افطح راهنمایی کردند. به نزد او رفت و وی را امتحان کرد ولی اثری از امامت را در او ندید. سپس کنار ضریح مطهر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رفت و گریه کرد و از سرگردانی خود شکایت کرد که: «کجا بروم؟! به نزد یهودی یا مسیحی یا زردشتی یا فقهای ناصبی‌ها؟!» ناگهان حضرت کاظم علیه السلام او را حرکت داد و فرمود: «نه بسوی یهودی، نه مسیحی، نه دشمنان ما. من حجّت خداوند هستم و آنچه که در آن نامه‌ها بود را دیروز جواب دادم.» پس او اموال را با درهم‌های آن پیرزن - که در یک کیسه‌ای که در آن چهارصد درهم بود قرار داشت - و پارچه آن پیرزن - که در بسته دو برادر بلخی بود - را به نزد امام کاظم علیه السلام برد.

حضرت بسته لباسها را باز کرد و پانزده ذراع کرباس از آن بیرون آورد و فرمود: «به آن زن سلام ما را بسیار برسان و بگو که: جامه ترا در میان کفنه‌های خود گذاشتم و از

کفنه‌های خود این را برای تو فرستادم که از پنبه روستای ما صریاست که روستای فاطمه زهرا علیها السلام است و از بذر پنبه‌ای است که خود آن معصومه، برای کفن فرزندان کاشته و بافته بود و دوزنده آن خواهرم خدیجه دختر ابی عبدالله علیه السلام است، پس آن را در کفنت بگذار.»

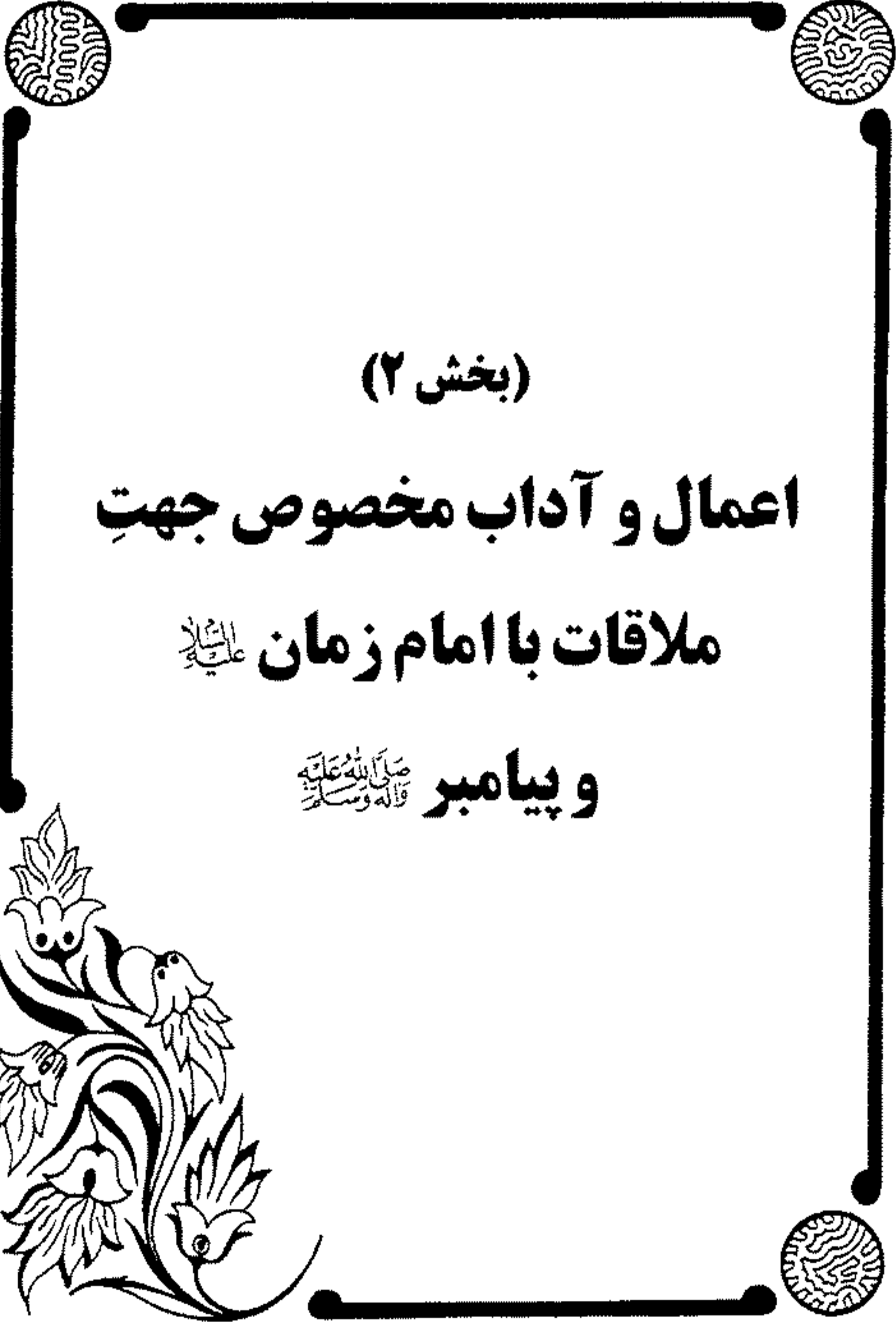
سپس کیسه مخارج خود را خواست و آن درهم را در آن گذاشت و از آنجا چهل درهم برداشت و فرمود: «سلام مرا به آن زن برسان و به او بگو که: فقط نوزده شب بعد از رسیدن این شخص و این کفن و این درهم‌ها، زنده خواهی بود. شانزده درهم را خرج کن و بیست و چهار درهم را صدقه بده و من خودم بر تو نماز می‌خوانم.»

سپس حضرت به آن شخص فرمود: «وقتی مرا دیدی کتمان کن.»

سپس آن شخص برگشت و جامه و درهم‌ها را به آن پیرزن داد. پس آن زن بسیار خوشحال و شادمان گردید و از بعضی از شیعیان به مقام و منزلت او حسادت می‌کردند و برخی حسرت می‌خوردند و او در روز نوزدهم از دنیا رفت و

شیعیان برای نماز خواندن بر جنازه او ازدحام کردند. آن شخص می‌گوید: «ناگهان حضرت کاظم علیه السلام را دیدم که بر شتری سوار بود، پس پیاده شد و مهار آن را گرفت و به همراه جمعیت بر جنازه آن زن نماز خواند. هنگام گذاشتن او در قبر حاضر شد و مقداری از تربت قبر اباعبدالله علیه السلام را بر آن ریخت. آن حضرت وقتی کارش تمام شد، سوار شتر گردید و سر شتر را به طرف صحرا برگرداند و فرمود: «اصحاب خود را آگاه کن و از طرف من به ایشان سلام برسان و بگو که بر هر کدام از ما اهل بیت که مقام امامت برسیم واجب است که بر جنازه شما در هر سرزمینی که باشید حاضر شویم. پس از معصیت الهی پرهیزید و کردار خود را نیک کنید تا در آزادی خود از آتش، یاری کننده ما باشید.»

این بود خلاصه آن حدیث شریف طولانی و مفید که از جمله آن وعده حضور امام عصر علیه السلام بر جنازه مؤمنین نیکوکار و باتقوی است و ممکن است که در احادیث اهل بیت علیهم السلام موارد دیگری از این قبیل وجود داشته باشد.



(بخش ۲)

اعمال و آداب مخصوص جهت

ملاقات با امام زمان علیه السلام

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

اعمال و آداب مخصوص

این فصل در ذکر اعمال و آدابی است که شاید بتوان به برکت آنها به سعادت ملاقات و شرف حضور حضرت حجّت علیه السلام رسید، چه آن حضرت را بشناسیم چه نشناسیم، در خواب باشد یا در بیداری، بنحوی که از آنحضرت فیض ببریم هر چند که این بهره چیزی جز زیاد شدن نور یقین و معرفت به آن وجود معظم نباشد که البته خود از مهمترین اهداف نگارش این کتاب است.

در باب هشتم (کتاب ما امام زمان علیه السلام را دیده‌ایم) معلوم شد که رسیدن به این مقصود در دوران غیبت کبری، ممکن و میسر است و می‌توان - بوسیله علم و عمل و تقوی و معرفت و تضرّع و انابت و تهذیب نفس از غلّ و غش و شکّ و شبهه و صفات ناپسند - لیاقت دریافت اسرار و داخل شدن در جمع خواصّ را پیدا کرد و برای تأیید این مطلب

شواهدی نیز از کلمات علمای اعلام ذکر کردیم. منظور در اینجا این نیست که راهی را پیدا کنیم که همیشه بتوانیم آن حضرت را ملاقات کنیم زیرا غیر از ادای واجبات و مستحبات و ترک محرّمات و مکروهات به نحوی که خواسته شده، سایر مقدمات این امر پنهان و مخفی است و جز بر اهلش معلوم نمی‌باشد، بلکه غرض بدست آوردن راه و کسب آمادگی و لیاقتی است که شاید بتوان بوسیله آن در عمر خویش یکبار به این سعادت دست یافت هر چند در خواب باشد.

مخفی نماند که از تأمل در قصّه‌ها و حکایت گذشتگان معلوم می‌شود که مداومت بر عملی نیک و عبادتی مشروع و کوشش در تضرّع و زاری به مدّت چهل روز برای رسیدن به این هدف، فوق العاده مؤثر می‌باشد همانگونه که چهل شب چهارشنبه رفتن به مسجد سهله یا چهل شب جمعه رفتن به مسجد کوفه همراه با عبادات و تضرّع از اعمال متداول و معروف است و علماء و نیکان زیادی ادّعا کرده‌اند که این عمل را انجام داده و نتیجه گرفته‌اند. و نیز این چنین

است زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام در چهل شب جمعه و اعمالی مانند آن، هر چند سند مخصوص برای نوع عمل و تعداد آن وجود ندارد ولی از محتوای کتاب و سنت می‌توان فهمید که مداومت بر دعا در چهل روز، در اجابت و قبولی آن دعا مؤثر است و حتی مواظبت بر خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال یا حرام در این مدّت باعث تغییر حالت و انتقال از صفتی به صفت دیگر - چه از نیک به بد و چه از بد به نیک - می‌شود و از این قبیل است لباس و مسکن و همصحبتی.

حال برای تأیید این مطالب، به ذکر چند خبر متبرّک می‌شویم: شیخ عیاشی از فضل بن ابی‌قروه روایت کرده که است که: حضرت صادق علیه السلام فرمود: حقّ تعالیٰ به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی فرستاد که: «بزودی از ساره برای تو پسری متولّد می‌شود.»

ساره گفت: «من پیرزن هستم.»

حقّ تعالیٰ فرمود: «او بزودی فرزندی می‌آورد و فرزندان آن پسر، تا چهار صد سال در دست دشمن معذب می‌گردند

به سبب آن که کلام مرا ردّ نمودند.»

وقتی بنی اسرائیل به بلای فرعون دچار شدند تا چهل روز به درگاه خداوند ناله و زاری کردند، پس خداوند به حضرت موسی و هارون علیهم السلام وحی فرستاد که آنان را از دست فرعون خلاص کنند و در حالی که صد و هفتاد سال از آن چهار صد سال باقی بود بلا را از ایشان برداشت.»

سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: «اگر شما نیز چنین تضرّع و زاری می‌کردید حقّ تعالی فرج ما را نازل می‌کرد ولی چون این چنین نمی‌کنید پس این امر به نهایت خود خواهد رسید.»

شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب «مجموع الغرایب» از کتاب «جواهر» نقل کرده است که: حضرت عیسی علیه السلام به حواریین سفارش کرد که: «مانند ما باشید!»

وقتی آن حضرت به آسمان عروج کرد حواریین گفتند: «از جای خود حرکت نمی‌کنیم مگر اینکه تأویل کلام حضرت عیسی علیه السلام را بفهمیم.»

یکی از آنها گفت: «یعنی مثل ما باشید که هر گاه حلقه

می زند و دور خود می پیچد سرش را زیر بدنش مخفی می کند زیرا می داند که هر آسیبی به بدنش برسد تا وقتی سرش سالم است ضرر زیادی نمی بیند. پس روح الله به شما می گوید که: دین خود را حفظ کنید که سرمایه دنیا و آخرت است و اگر دچار فقر و مرض بشوید تا زمانی که دینتان سالم است، ضرر نمی کنید.»

دیگری گفت: «اینکه روح الله به شما فرمود مثل مار باشید به جهت آن است که مار تا زمانی که زهر در بدنش وجود دارد فقط خاک می خورد. پس شما هم مادامی که حُبّ دنیا در دلهایتان قرار دارد از شنیدن حکمت برای طلب آخرت، نفعی نمی برید.»

شخص دیگری گفت: «روح الله فرمود مثل مار باشید زیرا مار وقتی احساس ضعف و سستی می کند تا چهل روز خود را گرسنگی می دهد سپس داخل سوراخ تنگی می شود و در حالی بیرون می آید که تا چهل سال جوان شده است. پس روح الله به شما می گوید نفس خود را مدّتی برای بقای بلند مدّت، در این دنیای کوتاه گرسنگی دهید همانگونه که مار

برای ماندن چهل ساله، نفس خود را چهل روز گرسنگی می‌دهد.»

پس همگی سخن او را پسندیدند و به این نتیجه رسیدند که حضرت عیسیٰ علیه السلام همین منظور را داشته است.»

در کافی از محمد بن مسلم روایت است که: به امام علیه السلام عرض کردم: «آیا کسی که عبادت و خضوع و تلاش دارد ولی امامت ائمه علیهم السلام را قبول ندارد هیچ نفعی می‌برد؟!»

حضرت فرمود: «ای محمد! همانا مثل اهل بیت علیهم السلام، مثل خانواده‌ای از بنی اسرائیل است که هر کدام از آنها که چهل شب عبادت می‌کرد دعایش مستجاب می‌شد.

مردی از آنها چهل شب عبادت کرد ولی دعایش مستجاب نشد. پس نزد عیسیٰ بن مریم علیه السلام رفت و از این موضوع شکایت کرد و تقاضا کرد که آن حضرت برایش دعا کند.

عیسیٰ علیه السلام وضو گرفت و دو رکعت نماز خواند، آن گاه برای آن شخص دعا نمود. خداوند بسوی او وحی فرستاد که: «ای عیسیٰ! بنده من از دری که باید وارد شود وارد نشد. او

در حالی که نسبت به تو شک داشت مرا خواند پس دعایش را اجابت نمی‌کنم حتی اگر گردنش قطع شود و انگشتانش بیفتند.»

حضرت عیسیٰ علیه السلام به سمت آن مرد برگشت و فرمود: «خدا را دعا می‌کنی در حالی که در دلت نسبت به پیغمبر او شک داری؟!»

مرد گفت: «ای روح الله! به خدا سوگند آنچه گفتم درست است، از خداوند بخواه که این شک را برطرف کند.» حضرت عیسیٰ علیه السلام دعا کرد و خداوند توبه آن مرد را پذیرفت و مانند سایر افراد خانواده‌اش مستجاب الدعوه گردید.

در «کافی» از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: «بنده‌ای که ایمان به خدا را خالص نماید (و در روایت دیگر: کسی که چهل صباح ذکر خداوند را بگوید) خداوند او را در دنیا زاهد می‌کند و دوا و دردش را به او نشان می‌دهد و حکمت را در دلش ثابت می‌گرداند.»

در «لُبُّ اللَّبَابِ» قطب راوندی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

روایت است که فرمود: «کسی که چهل صباح خدا را خالص عبادت بکند چشمه‌های حکمت از دل او بر زبانش جاری می‌شود.»

در «امالی» صدوق روایت است که: «بهلول نبّاش، کفن دزدی بود که با جسد دختری از انصار، عمل قبیح انجام داده و پشیمان شده بود. پس نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رفت ولی حضرت او را طرد کرد.^۱

سپس او به یکی از کوه‌های مدینه رفت و چهل روز گریه و ناله و دعا کرد و در روز چهارم توبه‌اش قبول شد و آیه‌ای در مورد قبولی توبه و گذشتن از گناهِش توسط خداوند نازل شد.

حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیش او رفت و به وی بشارت داد و آن آیه را تلاوت فرمود، آن گاه به اصحاب فرمود: «گناهانتان را اینگونه از بین ببرید همانطور که بهلول آن را از بین برد.»

۱ - طرد بهلول توسط پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حکمت‌هایی داشت که یکی از آن حکمتها این بود که بهلول متوجه عظمت گناهِش شده و توبه نصوح بنماید.

همچنین روایت است که: «حضرت داوود علیه السلام چهل روز بر ترک اولای خویش گریست.»

در «بحار» از کتاب «عدد القویة» علی بن یوسف، برادر علامه حلی نقل شده است که: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به همراه عمّار بن یاسر و منذر بن ضحضاح و ابوبکر و عمر و علی بن ابیطالب علیه السلام و عبّاس بن عبدالمطلب و حمزة بن عبدالمطلب در ابطح نشسته بودند.

ناگهان جبرئیل علیه السلام بصورت عظیمی در حالی که بال خود را از مغرب تا مشرق زمین پهن کرده بود بر آن حضرت نازل شد و ندا داد: «ای محمّد! خداوند بلند مرتبه به تو سلام می‌رساند و امر می‌کند که چهل صباح از خدیجه کناره‌گیری کنی.»

این کار برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخت بود زیرا خدیجه علیها السلام را بسیار دوست داشت و به او علاقمند بود. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چهل روز را به عبادت گذراند در حالی که روزه‌دار بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روزهای آخر عمّار یاسر را نزد

حضرت خدیجه علیها السلام فرستاد و فرمود بگو: «گمان نکن جدا شدن من از تو به سبب بی‌علاقگی است بلکه پروردگارم، مرا به این جدایی امر فرموده است پس تو حُسن ظنّ داشته باش که همانا خداوند متعال روزی چند مرتبه نزد ملائکه، به تو مباحثات می‌کند. هنگام شب درب را ببند و در جایگاهت بخواب که من در منزل فاطمه بنت اسد هستم.»

حضرت خدیجه علیها السلام روزی چند مرتبه از دوری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اندوهگین می‌شد تا اینکه چهل روز به پایان رسید. جبرئیل نازل شد و گفت: «ای محمد! خداوند بلند مرتبه بر تو سلام می‌رساند و امر می‌کند که برای تحیّت و هدیه او حاضر شوی.»

سپس میکائیل با طبقی از انگور و خرما نازل شد و آن حضرت با آنها افطار کرد و به فرمان خداوند پیش از نماز نزد حضرت خدیجه علیها السلام رفت و در آن شب نطفه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام منعقد شد.

و نیز روایت شده است که: «پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چهل روز قبل از بعثت نیز مأمور شد از خدیجه کناره‌گیری کند و در روز چهارم مبعوث شد.»

میقات حضرت موسی علیه السلام نیز چهل روز بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «او چهل روز از شوق پروردگارش در مدّت رفتن و برگشتنش نخوابید و چیزی نخورد و چیزی نیاشامید.»

در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام روایت است که: حضرت موسی علیه السلام به بنی اسرائیل می فرمود: «هر گاه خداوند در امر شما گشایش کرامت نمود و دشمنانتان را نابود کرد از نزد او برای شما کتابی می آورم که در آن کتاب امر و نهی ها و عبرت ها و ... باشد.»

وقتی خداوند، گشایش عطا کرد به حضرت موسی علیه السلام فرمان داد که به میعاد برود و سی روز روزه بگیرد.

حضرت موسی علیه السلام گمان کرد که پس از سی روز خداوند کتاب را خواهد فرستاد ولی پس از سی روز خداوند به او وحی کرد که ده روز دیگر روزه بگیرد.

پس حضرت موسی علیه السلام چنین کرد و خداوند بعد از چهل روز، کتاب را برای او فرستاد.»

در روایات معتبر زیادی آمده است که: «نطفه، چهل روز

در رَحِم می ماند، آن گاه علقه می شود سپس چهل روز دیگر مضغه می شود و تا چهل روز مضغه می ماند. اگر کسی می خواهد برای زن حامله دعا کند که فرزندش پسر و سالم باشد، پس در این چهار ماه دعا کند.»

از این روایات معلوم می شود که مادّه برای افاضه صورت جسمانی یا نفسانی در چهل روز آماده می شود و حدیث قدسی معروف «خمرت طینه آدم بیدی اربعین صباحا»^۱ مؤید این مطلب است.

در «کافی» روایت است که: از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: «چرا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کسی که شراب بیاشامد، نمازش تا چهل روز قبول نمی شود.»

حضرت فرمود: «وقتی کسی شراب می خورد شراب در نرمه استخوانش و همه اعضایش تا چهل روز به اندازه انتقال خلقت او - یعنی فاصله بین نطفه و علقه و مضغه - باقی می ماند. همچنین هر چیزی که می خورد و می نوشد چهل روز در آن جا باقی می ماند.»

۱ - یعنی: «سرشت آدم را تا چهل روز با دستم خمیر کردم.»

مروست که: «کسی که چهل روز (یک مرتبه هم) گوشت نخورد بد خلق می‌شود زیرا انتقال نطفه در چهل روز است.» همچنین روایت شده است که: «کسی که در مدت چهل روز، هر روز گوشت بخورد خلشش بد می‌شود و کسی که چهل روز حلال بخورد خداوند قلبش را نورانی می‌کند و ...» همچنین پاداش فراوانی برای حفظ کردن چهل حدیث و عمل کردن به آن و استقامت در انجامش، وعده داده شده است و اگر چهل نفر بر جنازه مؤمنی حاضر شوند و شهادت دهند که ما از او جز خیر، چیزی ندیدیم، خداوند شهادت ایشان را قبول می‌کند و آن مؤمن را می‌آمرزد.

از احادیث مناسب این جایگاه که گفته‌های قبلی را تأیید می‌کند روایتی است که در اخبار ولادت حضرت حجت علیّه السلام آمده که امام حسن عسکری علیه السلام آن حضرت را به پرندۀ سفیدی که روح القدس بود سپرد تا او را به آسمان ببرد و امر فرمود که در هر چهل روز آن حضرت را برگرداند. حکیمه خاتون می‌فرماید: «من هر چهل روز، آن مولود کریم را می‌دیدم تا این که پیش از وفات امام حسن عسکری علیه السلام به مردی تبدیل شده بود.»

البته شواهد از روایات برای این مدّعا بیشتر از آن است که بتوان همه را جمع کرد و علامه مجلسی قدس سره در رساله‌ای که حاوی جواب سوالاتی در مورد فرقه‌های امامیه و حکماء و مجتهدین و اخباریین و متشرّعه و صوفیه است، بعد از تقسیم آنها به پسندیده و ناپسند و چند کلمه دیگر فرموده است: «پدر مرحوم بنده از شیخ بهاء الدّین محمّد، ذکری آموخته بود و سالی چهل روز به آن مشغول بود.

عدّه زیادی از شیعیان ریاضت‌های شرعی می‌کشیدند و بنده هم بسیار پیش آمده که چهل روز عبادت کرده و ریاضت شرعی کشیده باشم.

در احادیث معتبر وارد شده است که: «هر کس چهل صباح اعمال خود را برای خدا خالص گرداند حقّ تعالی چشمه‌های حکمت را از دل او بر زبانش جاری می‌گرداند.» چون بطور خلاصه دانستیم که مأخذ این عمل صالحان و نیکوکاران یعنی مواظبت چهل شب یا چهل روز چهارشنبه یا جمعه در کوفه یا سهله یا کربلا چیست!

همچنین هر کس باید بر حسب مقام و زمان و مکان و

قدرت خود دقت کند یا اینکه از دانای روشن بینی^۱ پرسد که کدام یک از اعمال نیکوی شرعی و آداب و سنن اولویت دارد که آن را انجام بدهد زیرا ممکن است عملی نسبت به یک نفر اولویت داشته باشد و نسبت به دیگری اینگونه نباشد و همچنین تفاوت مراتب و درجات اعمال بسیار است. پس ممکن است که از کسی، بذل و بخشش و انفاق مطلوب باشد و از دیگری نماز و روزه و از شخص دیگری زیارت و ... ولی باید در همه آنها شروط مشترکی را مانند انجام واجبات و ترک محرّمات و پاک و حلال بودن خوردنی و نوشیدنی، و خلوص نیت و ... رعایت شود که در اینجا مقام بیان آنها نیست. و اما اعمال مخصوص به حاجت ذکر شده چه آنهایی که مختصّ به امام زمان علیه السلام است یا اینکه به همراه سایر ائمه علیهم السلام و حتی انبیاء علیهم السلام می باشد که در اینجا تعدادی از آنها ذکر می شود:

۱ - البته دانای روشن بینی که در صراط مستقیم اهل بیت علیهم السلام باشد نه اینکه از اقطاب صوفیه و فلاسفه و دروایش و ... باشد و با تفکرات و اختراعات خارج از صراط مستقیم، دیگران را گمراه و منحرف نماید.

عمل اوّل

سیّد جلیل بن باقی در اختیار مصباح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:
«هر کس بعد از هر نماز واجبی این دعا را بخواند بدرستی که امام (م ح م د) بن الحسن علیه السلام را در بیداری یا در خواب مشاهده خواهد کرد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيُّنَمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا عَنِّي وَ عَنِ وَالِدَيْ وَ عَنِ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زِينَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لِأَحْوَالِ عَنَّا وَ لَا أَرْوُلِ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ

وَاعْوَانِهِ وَالدَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَنَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ وَ
 الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي
 جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَرًّا
 كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرَّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ
 وَالْبَادِي اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالنُّجُومَ الْحَمِيدَةَ وَاجْعَلْ
 بَصْرِي بِنَظَرَةِ مَنْبِيِّ إِلَهِهِ وَاجْعَلْ فَرَجَهُ وَسَهْلَ مَخْرَجَهُ اللَّهُمَّ اشْدُدْ
 أَرْزَهُ وَقَوِّ ظَهْرَهُ وَطَوِّلْ عُمُرَهُ وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَخِي بِهِ
 عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
 بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَوَلِيِّكَ وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ
 الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ
 مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرَّقَهُ وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيُحَقِّقُهُ
 اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ
 بَعِيدًا وَنَرِيهِ قَرِيبًا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.»^١

یعنی: «به نام خداوند بخشنده مهربان، خدایا! به مولایمان صاحب زمان هر جا و به هر صورتی که باشد در مشارق زمین و مغارب زمین، در همواریه‌ها و یا کوه‌های آن، از من و از پدر و مادرم و از فرزند و برادرانم، تحیت و درود به اندازه خلق خدا و به سنگینی عرش خدا و هر آنچه کتاب خدا آن را در برگرفته و علم او به آن احاطه دارد برسان.

خدایا! من در صبح امروز و هر روزی از ایام زندگیم با او تجدید بیعت می‌کنم و پیمان او بر گردن من است، هرگز از آن برنگردم و این پیمان تا ابد زائل نگردد.

خداوندا! مرا از یاران و پشتیبانان او و از مدافعین و کسانی که دستورهایش را در روزگارش اطاعت می‌کنند و از چیزهایی که از آنها نهی کرده دوری می‌کنند و از به شهادت رسیدگان در رکابش، قرار بده.

خداوندا! اگر مرگی که بر بندگانت حتمی قرار داده‌ای بین من و او جدائی افکند پس مرا از قبرم بیرون بیاور در حالی که کفن پوشیده و شمشیرم از نیام کشیده و بالا رفته و نیزه‌ام برافراشته باشد در حالی که دعوتِ دعوت‌کننده را در شهر و روستا اجابت می‌کنم.

خداوندا! آن طلعت رشید و بلند را و آن شریف ستایش شده را به من نشان بده و چشم مرا با یکبار نگاه بسوی او سرمه بکش و در فرجش تعجیل کن و جایگاه ظهور و خروجش را آسان گردان.

خدایا! پشت او را محکم و قوی ساز و عمرش را طولانی کن.
 خداوندا! بوسیله او شهرهایت را آبادان کن و بندگان را بوسیله او
 حیات بخش بدرستی که تو فرمودی و کلامت حق است که فرمودی:
 «فساد در خشکی و دریا ظاهر شد بخاطر آنچه که مردم انجام دادند.»
 پس ای خدا! برای ما ولایت و پسر دختر پیامبرت که همان پیامبرت - که
 درود خدا بر او و آتش باد - است را ظاهر کن، تا اینکه هیچ باطلی نروید
 مگر اینکه آن را تگه تگه کند؛ و خداوند حق را با کلماتش محقق
 ساخته و تثبیتش می‌کند.

خداوندا! با ظهور حضرت، غم و اندوه را از این امت برطرف ساز
 بدرستی که مخالفان، فرج را دور می‌دانند و ما فرج را نزدیک می‌دانیم و
 درود خداوند بر محمد و آل او.^۱

۱ - مؤلف می‌گوید: این دعا نسخه‌های مختلف و سندهای فراوانی دارد که در
 بعضی از نسخه‌ها بیشتر و در برخی کمتر است. ابن طاووس روایت کرده که چهل
 صباح آن را بخوانند. این روایت در بین سایر روایات معتبرتر و مؤثرتر است و
 بنابراین روایات دیگر را نقل نکردیم.

عمل دوّم

شیخ ابراهیم کفعمی در «جنتّ الواقیة» فرموده است که: «در بعضی از کتابهای اصحاب خود دیدم که هر کس دیدن یکی از انبیاء و ائمه علیهم السلام یا سایر مردم یا فرزندان خود را در خواب اراده کند پس سورة «والشمس» و «انا انزلناه» و «قل یا ایها الکافرون» و «قل هو الله احد» و «قل اعوذ برب الفلق» و «قل اعوذ برب الناس» را بخواند. سپس صد مرتبه «قل هو الله احد» را بخواند و بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرستد و بر پهلوی راست بخوابد حتماً آنکس را که قصد کرده خواهد دید و هر صحبتی که بخواند با آنها خواهد کرد، انشاء الله تعالی.

در نسخه دیگری هم همین مطلب را دیدم به جز آنکه گفته است انسان باید این اعمال را هفت شب انجام بدهد البتّه بعد از خواندن دعایی که اوّلش این است: «اللهم انت الحی الذی...»

این دعا را سیّد بن طاووس در کتاب «فلاح السائل» از

بعضی از ائمه علیهم السلام بدینصورت نقل کرده است: «هر گاه اراده کردی که میّت خود را ببینی پس با طهارت و بر طرف راست خود بخواب و مشغول گفتن تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بشو و سپس بگو: «اللهم انت الحی...»

شیخ طوسی در «مصباح» خود فرموده است: «کسی که می‌خواهد مرده‌ای را در خواب خود ببیند در وقت خواب بگوید:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ وَالْإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ مِنْكَ
بَدَأَتِ الْأَشْيَاءُ وَإِلَيْكَ تَعُودُ فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتَ مَلْجَأَهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا
أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ فَاسْئَلْكَ بِمَا إِلَهُ
إِلَّا أَنْتَ وَاسْئَلْكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِحَقِّ حَبِيبِكَ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِحَقِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ
سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمَا
سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ
أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُرِينِي مَيِّتِي فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ فِيهَا.»^۱

یعنی: «پروردگارا! تو زنده‌ای هستی که توصیف نمی‌شوی، و ایمان از او شناخته می‌شود، اشیاء از تو شروع شد (منشاء و خالق اشیاء تو بودی) و بازگشت آنها بسوی توست، هر آنچه که روی بیاورد پناه و محلّ نجاتش تو هستی و هر آنچه از آنها پشت کند پناهگاهی ندارد و هیچ نجاتی نیست جز بسوی تو آمدن؛ پس من از تو می‌خواهم به حقّ لا اله الا انت و از تو می‌خواهم به بسم الله الرحمن الرحيم و به حقّ حبیب محمد صلی الله علیه و آله و سلم آقای پیامبران و به حقّ علی علیه السلام بهترین جانشینان و به حقّ فاطمه علیها السلام سرور زنان جهانیان و به حقّ حسن و حسین علیهما السلام همانهایی که آنها را آقایان تمام جوانان اهل بهشت قرار دادی از تو می‌خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد و اهل بیت او و اینکه مرده مرا در همان حالی که هست به من نشان دهی.»

پس بدرستی که او را خواهد دید انشاء الله تعالی.

و بنابر روایت اوّل که این دعا را می‌شود حتی برای انبیاء و ائمه علیهم السلام، چه زنده و چه مرده خواند.

کسی که این دعا را می‌خواند باید آخر آن را به آن چه مناسب مقام امام زنده و پیغمبر زنده است تبدیل کند، حتی ظاهر آن است که اگر برای نبی یا امام زنده یا از دنیا رفته بخواند باید آخرش را تغییر بدهد.

مؤید این مطلب آن است که در کتاب «تسهیل الدّواء» بعد از ذکر دعای مذکور آمده که بعضی از بزرگان ما گفته‌اند: هر کس اراده کرده که یکی از انبیاء یا ائمه هدی علیهم السلام را در خواب ببیند پس دعای مذکور را بخواند تا آن جا که «ان تصلی علی محمد و آل محمد»، آن گاه بگوید: «ان ترینی فلاناً» یعنی نام آن کسی را که می‌خواهد ببرد و بعد از آن سوره «والشمس»، «واللیل» و «قدر» و «جحد» و «اخلاص» و «معوذتین» و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند پس هر کسی را که خواسته است خواهد دید و هر سؤالی را که بخواند از او خواهد نمود و او نیز جواب خواهد داد. انشاء الله.

عمل سوّم

شیخ مفید در کتاب «اختصاص» از امام کاظم علیه السلام روایت کرده است که: «هر کس که درخواستی از خداوند تبارک و تعالیٰ دارد و می‌خواهد که ما را ببیند و مقام و مرتبه خود را بداند، پس اوّل شب غسل کند و با ما مناجات نماید، (با خدای تعالیٰ بوسیله ما مناجات کند) بدینگونه که خدا را به حقّ ما قسم دهد و بوسیله ما به او متوسّل شود تا خداوند او را به مشاهده ما موفق کند و مقامش را در نزد ما به او نشان بدهد.»

سپس فرمود: «بدرستی که ما را خواهد دید و خداوند او را بخاطر ما می‌آمزد و مقام و محلّش بر او پوشیده نمی‌ماند.»

بعضی گفته‌اند: منظور از «مناجات کردن به ما» این است که دیدن آنها را حاجت مهمّ خود قرار دهد و مشاهده و

محبت آن حضرات را ذکر خود گرداند که ایشان را خواهد دید.

غسلی که در این روایت به آن اشاره شد یکی از غسل‌های مستحبی است که فقهاء (رضوان الله علیهم) از آن نام برده‌اند چنانچه علامه بحرالعلوم قدس سره در منظومه‌اش ضمن اهداف غسل می‌گوید:

و رؤية الامام في المنام لدرك ما يقصد من مرام

یعنی: «دیدن امام در خواب برای آنکه به مقصودش برسد.»

مطمئناً منظور سید بحرالعلوم قدس سره همین روایت بوده چنانکه صاحب مواهب و غیره بر این موضوع تصریح کرده‌اند ولی محقق و دانشمند گرامی جناب آخوند ملا زین العابدین گلپایگانی در «شرح منظومه» بعد از ذکر این بیت گفته است: این بیت بر حدیث نبوی دلالت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد اعمال نیمه شعبان فرمود: «هر کس در نیمه شعبان طهارت بگیرد و طهارت خود را نیکو بجا آورد» تا آنکه فرمود: «اگر بخواهد مرا ببیند در همان شب خواهد دید.»

این روایت با اینکه به حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اختصاص دارد ولی با این حال آن را به سایر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هم نسبت داده‌اند، زیرا در برخی احادیث آمده که ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به منزله آن حضرت هستند و آن چه در حق آن حضرت جاری است در حق ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز جاری می‌باشد، و این کلام درستی است زیرا منزلت امامان این موارد را شامل می‌شود و اما مقصود سید بحر العلوم قَدْرُهُ از این بیت، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نبوده زیرا اگر چه آن حضرت در حقیقت امام است ولی در اصطلاح فقهاء و محدثین و حتی عامه مردم به این لقب مشهور نیست.

عمل چهارم

سید علی بن طاووس در «فلاح السائل» روایت کرده است که انسان برای دیدن حضرت امیرالمومنین علیه السلام در خواب این دعا را در وقت خوابیدن بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لُطْفُهُ خَفِيَ وَ أَيْادِيهِ بَاسِطَةٌ لَا تَنْقُضِي
أَسْأَلُكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ الَّذِي مَا لَطِفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ إِلَّا كَفَى أَنْ تُرِينِي
مَوْلَايَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ علیه السلام فِي مَنَامِي.»^۱

یعنی: «خدایا! من از تو درخواست می‌کنم ای کسی که لطفش پنهان است و دستان بخشنده‌اش باز می‌باشد و تمام شدن ندارد، از تو می‌خواهم که به حق لطف پنهانیت - که بر هیچ بنده‌ای بوسیله آن لطف نکردی مگر اینکه آن را کفایت کرد - مولا ایم علی فرزند ابیطالب علیه السلام را در خواب به من نشان بدهی.»

عمل پنجم

در «تفسیر برهان» و «مصباح کفعمی» از کتاب «خواص القرآن» نقل شده است که:

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «هر کس در خواندن سوره «مزمل» مداومت کند، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را می بیند و آنچه را که می خواهد از آن حضرت می پرسد و هر خیری را که خواسته باشد خداوند به او عطا می نماید.»

عمل ششم

کفعمی روایت کرده است که:

«هرکس سوره «انا انزلناه» را صد مرتبه در وقت ظهر

بخواند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب مشاهده خواهد کرد.»

عمل هفتم

سید هبة الله بن ابی محمد موسوی معاصر علامه در کتاب «مجموع الرایق» روایت کرده است که:

«هر کس سوره «جن» را زیاد بخواند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مشاهده می نماید و هر سؤالی که بخواهد از آن حضرت می کند.»

عمل هشتم

در کتاب «مجموع الرّایق» روایت شده است که:
«هرکس سوره «قل یا ایها الکافرون» را در نصف شب
جمعه بخواند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مشاهده خواهد کرد.»

عمل نهم

بعد از هفت روز روزه گرفتن، هفت مرتبه خواندن دعای «مجیر» با طهارت در هنگام خواب باعث رسیدن به مقصود در این مورد می‌گردد یعنی انسان می‌تواند فرد مورد نظرش را در خواب مشاهده نماید.

عمل دهم

پنج مرتبه با طهارت دعای معروف به «صحیفه» - که در «مهج الدعوات» و غیره روایت شده است - را خواندن، باعث دیدن فرد مورد نظر در خواب می‌شود.

عمل یازدهم

کفعمی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که:

«هر کس بعد از نماز ظهر و پیش از ظهر، بیست و یک

مرتبه سوره «قدر» را بخواند نمی میرد تا اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

را ببیند.»

عمل دوازدهم

کفعمی از «خواص القرآن» نقل کرده است که:
«هر کس در شب جمعه، نماز شب بجای بیاورد و پس از آن هزار مرتبه سوره «کوثر» را بخواند و هزار مرتبه صلوات بفرستد، پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم را در خواب مشاهده می‌نماید.»

عمل سیزدهم

در بعضی از مجموعه‌های معتبر آمده است که:

هر کس اراده کند امام زمان علیه السلام را در خواب ببیند، بعد از نماز عشاء، دو رکعت نماز با هر سوره‌ای که می‌خواهد بخواند و سپس صد مرتبه این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ بَلِّغْ مِنِّي

رُوحَ مُحَمَّدٍ وَأَرْوَاحَ آلِ مُحَمَّدٍ تَحِيَّةً وَسَلَامًا.»

یعنی: «بنام خداوند بخشنده مهربان، ای نورِ نور! ای تدبیر کننده

کارها! از جناب من بر روح محمد و ارواح آل محمد من درود و سلام

برسان.»



(بخش ۳)

اشعار و مدایح در

تولد و استغاثه به امام عصر علیه السلام



تولد حضرت صاحب الزمان مهدی موعود علیه السلام

چون نبودیم مرد میدانش
ز آن دهان غنچه باید از غیرت
در گریبان کشید سر، خورشید
باغبانی که نار پستان یافت
با پریشانیم عجب جمع است
گوهر از قعر بحر می آید
حیرتی دارم از چنین رخسار
به غلامی دهد گرش بیند
می پرستند چون صنم در دیر
چند باشی دلا ز بی باکی
از جراحات دل توان دانست
تا چه آید به دل چه می گذرد
عمار دارد ز ملک اسکندر
همه گشتیم نقش ایوانش
تا بدامن درد گریبانش
ز آفتاب رخ درخشانش
چه تعلق به نار بُستانش
خاطر طرّه پریشانش
به تماشای آب دندانش
هم از آن کس که نیست حیرانش
یوسف خویش، پیر کنعانش
همه کافر و مسلمانش
ایمن از سحر چشم فتانش
حِدّت تیرهای مرگانش
از دل کوه برق پیکانش
تشنه فیض آب حیوانش

از سرشکم جهان چو دریایی است
بس که چون مرغ شب زدم فریاد
داد جان را سروش عالم غیب
کز وجود امام خاتم کرد
چهره بنمود شاهد ازلی
پرده از چهره برگرفت زمهر
کرد از این جلوه، ختم نور ازل
سر فخر زمین از این مولود
حجّة الله مهدی موعود
زاده عسکری، سمی رسول
جانشین محمد مختار
همچو شیر خدا به پیکر کفر
درود شرک را ز روی زمین
گرگ با پاس او برد هرروز
پیش آهو ز بیم او از عذر
با قضای خدا سیره خلق
از خدا منتهی به عالم نیست

لاشۀ من، اسیر طوفانش
در غم روزگار هجرانش
مژده‌ای از وصال جانانش
ختم حق بر زمانه احسانش
به ستمدیدگان هجرانش
ریخت سنگ جفا ز دامانش
بر صف کاینات جولانش
بر شد از آسمان و کیوانش
مظهر دین حق و برهانش
نجل زهرا و نخل بستانش
عزت خاص و عین قرآنش
ضیغم ذوالفقار غرمانش
همچون خاشاک، داس برانش
شکوۀ میش، پیش چوپانش
می‌کند شیر شرزه دندانش
چیست جز مشتها به سندانش
بیشتر از وجود ذی شأنش

عیسی و خضر، از پیش به نماز	بهر شاگردی دبستانش
جنت و دوزخند روز جزا	مزد شکر و جزای کفرانش
گویی این طارم بلند اساس	همچون گویی است پیش چوگانش
بی نفاذش نبود روز ازل	اثری از سپهر و سگانش
از عدم کاروان هستی کرد	عزم جنبش زعز فرمانش
ای شهی کز ولایت ابراهیم	نار نمرود شد گلستانش
دست لطفت ببرد از آدم	ذلت دستبرد شیطانش
جز پناحت نبرد یوسف را	به عزیزی ز ذل زندانش
ای سحاب کفت ز فیاضی	خجالت ابر کاه یارانش
غرفه را چون فتد به بحر گناه	لطف کن ورنه برد طوفانش
دستگیری کن از وفا ورنه	سیر آفات کند بنیانش
تا خدایی کند خدای جهان	آنکه عام است لطف و احسانش
خاصه لطف کردگار بواد	آنکه محکم به توست پیمانش

مدح و تولد امام عصر علیه السلام

رختم بکشید سوی بستان	کآمد به نوا هزاردستان
شد زاغ ز باغ و باز آمد	بلبل به هزار شور و افغان
شد داغ دل خورنق و تنک	باغ از گل و لاله‌های نعمان
شد بحر معلق از هوا ابر	دُر پاش ز قطره‌های باران
این بحر بود و گرنه کی ابر	باریده به دشت، دُر و مرجان
صحرا و چمن ز لاله و گل	شد کان یمن که بدخشان
این سحر نسیم نوبهاری است	یا شعبده‌ای ز ابر نیسان
شاید که پی تفرّج از خلد	آید سوی لاله زار رضوان
گل شد بصری چو طلعت دوست	شد سرو سهی چو قد جانان
گردید بنفشه چون خط یار	چون زلف نگار گشت ریحان
سنبل به کمال سرو مشغول	بلبل به جمال گل در الحان
قمری گویی کشد چو مقری	صوتی به ثنای حق ز قرآن
گویی ز بهشتِ عدن خیزد	این باد که می‌وزد بهاران

لیکن نه گمان به باغ فردوس
 با این همه برگ و ساز الحق
 ای ترک بیار می که زین پس
 ز آن می بده از اثر که در تن
 ز آن باده که مور اگر بنوشد
 ز آن می که ز شهر عشق بازی
 جامی بده و به رقص برخیز
 جمعیت خاطر دگر نیست
 دستان کنی آخرم به خون رنگ
 مه دیده کجا کسی لب بام
 یعقوب دگر پسر نخواهد
 خورشید به پیش ماه رویت
 با یاد تو خوش دلم درین دشت
 سیلی چو تو کس ندیده هرگز
 شد فتنه عشق تو جهانگیر
 این فتنه آخر الزمان است
 جامی دگر بده که دوشین

سروی چو تو می رود خرامان
 بی باده و ساده زیست نتوان
 یکدم نتوان نشست پڑمان
 گردیده بود چو خون به شریان
 گیرد سر راه بر سلیمان
 معزول کند خیال حرمان
 آبی بده آتشیم بنشان
 زان طره که کرده ای پریشان
 زین دست که می کنی تو دستان
 یا سرو چمان به صحن بستان
 بوی تو اگر رسد به کنعان
 حر با صفت است مات و حیران
 بر دیده خلد گرم مغیلان
 ویران کن خانمان ایمان
 ای فتنه عقل و آفت جان
 یا فتنه آن دو چشم فتان
 یا نغمه هزار در گلستان

هنگام قدم ماه شعبان
بر خلق ز کردگار احسان
از یمن تولد جهان بان
والی زمن ولی یزدان
در سایه خود گرفت کیهان
تا هستی از او رسد به سامان
بر خلق ز لطف حق نمایان
شد نور جلال حق فروزان
آورده به کاینات جولان
تا بنده رخس چو ماه کنعان
از عالم امر تا به امکان
بل از همه ما یکون و ما کان
بر وحدت حق یگانه برهان
راننده ابر و باد و باران
تا فاطمه و علی عمران
از خاتم انبیاست فرمان
بر امر خدای فرودیان

می خواند به صد شعب که گردید
آن مه که به نیمه اش تمام است
آن مه که یسار شد جهان را
غوث دو جهان امام غایب
آن سایه کردگار کامروز
بنهاد قدم به ملک هستی
آن گنج نهان که شد در این وقت
از بهر قصاص ظالمان را
یا نور ازل پی تجلی
یا خود ز فروغ پرده را سوخت
او صاحب امر و آمر امر
زین کون و مکان مراد یاری
نور احد و سلیل احمد
فرمانده سیر چرخ و انجم
باش حسن و رود به نسبت
بر خاتم اوصیایی، او را
شد ختم دوازده شه دین

گفتم به کفش ز فیض عامش
 آری عمان نکرده هرگز
 با خاک رهش نه گر رهی جست
 روزی که به انتقام خیزد
 از ایمن او قضا پی حکم
 تا تیشه زند به بیخ بیداد
 تا سست کند ز جور بنیاد
 هنگام نبرد ذوالفقارش
 بر خرمن ظلم، برق خاطف
 از کشته و خون شرک آرد
 تا شرع نبی به هفت اقلیم
 گیتی به ارم کند نکوهش
 از معدلتش شده فراموش
 شد طعمه بره کله گرگ
 ز آه و بره شیر، در تزلزل
 در پیش غزال، ببر در کوه
 نیزار نگرد پلنگ بر عزم
 آنجا که تویی کجاست عمان
 یک کون و مکان به خویش مهمان
 جان بخش نمی شد آب حیوان
 از چرخ فتد زبیم کیوان
 از ایسر او قدر به فرمان
 تا ریشه کند ز غرس طغیان
 تا سخت کند ز عدل بنیان
 غران سپهش به روز میدان
 بر خانه کفر، سیل غران
 دریایی و کوه در بیابان
 رایت کشد از جیوش ایمان
 نازد به بهشت عدن بستان
 از خاطر بحر نام طوفان
 شد چشمه سوسمار، ثعبان
 از پنجه سعه باز، لرزان
 کندی پی عذر چنگ و دندان
 در جفن فرو رودش مرگان

گرچه نه براوست هیچ نقصان
در نزد وی این چکامه عنوان
از مطلع تازه‌ای به پایان
جانها به فراق تو گروگان
امروز به ما خدای منان
ما را به غم و رهین خدلان
ما را هدف خدنگ حدثان
دیگر نه به جاست یک مسلمان
یک ره چو نبی بیار قرآن
ما را برهان ز زخم ماران
بر خجلت من ز فرط عصیان
یک جا به کمند کین دوران
بر مسند خسروی ز زندان
کردی ز تلقی گلستان
پس راز نهان به پور عمران
ننگ از گنهم به خویش شیطان
باشد بر من چو شیخ صنعان

در وصف کمال او مدیحه
لیکن پی استغاثه کردم
وینک برمش به ذکر و حاجات
ای جان جهان و قبله جان
از خلق تو کرد ختم منت
تا چند ز هجر خودگذاری
تا چند کند جهان فرتوت
خوددانی و هم خدا که دردهر
یک روز چو مرتضی بکش تیغ
یک روز به ازدها بده حکم
وقتی نظری بکن ز رأفت
یک جا به کف ملامت از جرم
آنی تو که رفت از تو یوسف
آنی تو که بر خلیل آتش
آنی تو که از درخت گفתי
آنم من مجرم آنکه دارد
آنم که ز ظلم و فتنه ضحاک

دارم عوض سپاس کفران	آنم که به نعمت خداوند
دارم ز خدا امید غفران	با این همه بد فعالی خویش
نادیده محبم و ثنا خوان	از آنکه بدان غیاث کونین
زین رو سیه آمده به سامان	وین طرفه کتاب نجم ثاقب
بر دعوی بنده هست برهان	شایسته درگه تو گر نیست
پیش تو که هیچ نیست پنهان	شاهها ز غمان دل چه گویم
بیچارگیم به پای میزان	افتاد گیم به دهر دانی
ورنه من و در دو کون خسران	گر لطف کنی شهم بدارین
گرچه نه به لطف تست شایان	نومید مکن ز خود و فارا
آماده چو رزق مرد درمان	تا کرده خدا برای هر درد
بادات به جان دوستداران	درد تو هر آنچه سخت باشد

مدح امام عصر علیه السلام

نیست آن دم که سوی ما به گفت سنگی نیست
یا که اندر دل سنگت هوس جنگی نیست
شاهدان را همه آهنگ سماع است و نشاط
یا مر تو را جز پی یغمای دل آهنگی نیست
هر دم از رنگ دگر می بریم عقل و تو را
نیست هیچ از حرکاتت که زنیرتی نیست
آن دمی را که به رنگی ببری صبر و قرار
گویدم عقل که بالاتر از این رنگی نیست
دم دیگر که به رنگ دگر آهنگ کنی
خود بفهمم که مرا نزد تو فرهنگی نیست
واعظم خواند که در خون زندم چنگ به وعظ
نتوان رفت به بزمی که دف و چنگی نیست

زنگ شمشیر ز خونم ببر و ایمن باش
که مرا از تو بر آینه دل زنگی نیست
من به کنج غم و یاران سوی صحرا به نشاط
غیر من در همه شهر تو دلتنگی نیست
در همه کوه و بیابان دگر ای سنگین دل
تا شکسته به سر از دست غمت سنگی نیست
گام بر نام بنه اول و آنگاه به راه
کاندر این راه به جز نام دگر ننگی نیست
قدمی بیش نباشد ز هوس تاره عشق
از در صومعه تا میکده فرسنگی نیست
ساقیا بوسه پی باده بده ز آن لب قند
که به شیرینی تنگ شکرت تنگی نیست
همه روز از گل رویش غزلی گوی و بنال
کاندر این باغ وفا چون تو شباهنگی نیست
خبر مهدی موعود به شاهان بدهید
تا بدانند جز او صاحب او رنگی نیست

بر در پیر خرابات رهی باید کرد
تکیه بر دولت صاحب کُلّهی باید کرد
هر شب آه دلی آن سوی روان باید داشت
عرض حاجات به هر صبحگهی باید کرد
هدف تیر ملامت چو گدایان تا چند
خویشتن را هدف تیر شهی باید کرد
تا شوی مورد بخشایش دریای کرم
خویش را غرقه بحر گنهی باید کرد
پای از بزم دف و باده نبایست کشید
دست در زلف بت ساده گهی باید کرد
تا به پایان برسد قصه شبهای دراز
قصه‌ای از سر زلف سیاهی باید کرد
مهر اگر نور به مه داد ولی کسب ضیاء
بهر خود هر دمش از روی مهی باید کرد
از ازل تا به ابد دیده رحمت باز است
پس به ما هم ز ترحم نگهی باید کرد

گر طربخانه جاوید وفا می خواهی

بر در میکدهات خانگی باید کرد

در دل مظهر حق حجت قائم، مهدی

از ره طاعت و اخلاص رهی باید کرد

یک رباعی در مدح امام عصر علیه السلام

تنگ است بسی به سینه ام راه نفس

از بس که به راه حق نمی بینم کس

پُرگشته جهان سراسر از ظلم و نفاق

ای پادشه عصر به فریاد برس

فهرست

مقدمهٔ واحد تحقیقاتی ۵

مقدمهٔ مؤلف ۷

(بخش ۱)

اوقات مخصوص امام عصر علیه السلام

شب قدر ۱۰

روز جمعه ۱۸

روز عاشورا ۳۰

از وقت طلوع فجر تا غروب آفتاب هر روز ۴۴

عصر دوشنبه و عصر پنجشنبه ۵۳

شب و روز نیمه شعبان ۶۰

(بخش ۲)

اعمال و آداب مخصوص جهت ملاقات با

امام زمان علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

اعمال و آداب مخصوص ۷۴

عمل اول ۸۹

۹۳	عمل دوّم
۹۷	عمل سوّم
۱۰۰	عمل چهارم
۱۰۱	عمل پنجم
۱۰۲	عمل ششم
۱۰۳	عمل هفتم
۱۰۴	عمل هشتم
۱۰۵	عمل نهم
۱۰۶	عمل دهم
۱۰۷	عمل یازدهم
۱۰۸	عمل دوازدهم
۱۰۹	عمل سیزدهم

(بخش ۳)

اشعار و مدایح در تولّد و استغاثه به امام عصر علیه السلام

۱۱۲	تولّد حضرت صاحب الزّمان مهدی موعود <small>علیه السلام</small>
۱۱۵	مدح و تولّد امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۲۱	مدح امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۲۵	یک رباعی در مدح امام عصر <small>علیه السلام</small>